

### الدرس الأول

٨ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ (مرور قواعد پایه) .....

### الدرس الثاني

٢٩ إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ (عدد، ساعت و عمليات حسابی).....

### الدرس الثالث

٤٢ مَطَرٌ السَّمَكِ (بابهای ثلاثی مزید «١» / شناخت فاعل و مفعول / فعل لازم و متعدی).....

### الدرس الرابع

٥٣ التَّعَائِشُ السَّلْمِيُّ (بابهای ثلاثی مزید «٢»).....

### الدرس الخامس

٦٣ هَذَا خَلَقَ اللَّهُ (جمله اسمیه و فعلیه).....

### الدرس السادس

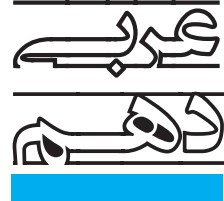
٧٦ الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ (کلمه معرب و مبني و حالت‌های اعراب).....

### الدرس السابع

٨٧ صِنَاعَةُ النَّفْطِ (فعل مجهول / شناخت نائب فاعل).....

### الدرس الثامن

١٠٠ يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ (جار و مجرور / نون و قایه).....



**الدرس الاول**

۱۱۲ ..... مواعظاً قِيَمَةً (اسم تفضيل و اسم مكان)

**الدرس الثاني**

۱۲۴ ..... صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ (اسم فاعل / اسم مفعول / اسم مبالغه)

**الدرس الثالث**

۱۳۴ ..... عَجَائِبُ الْمَخْلُوقَاتِ (اسلوب شرط)

**الدرس الرابع**

۱۴۵ ..... تَأْثِيْرُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ (ترجمه فعل مضارع «۱»)

**الدرس الخامس**

۱۵۷ ..... الصَّدْقُ (جملة بعد از اسم نكرة)

**الدرس السادس**

۱۶۸ ..... إِزْحَمُوا ثَلَاثًا (ترجمه فعل مضارع «۲»)

**الدرس السابع**

۱۸۰ ..... لَا تَقْنَطُوا (افعال ناقصة)

۱۹۲ ..... جمع بندي قواعد

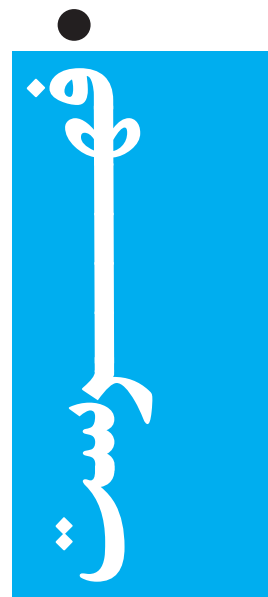
۲۰۰ ..... جمع بندي ترجمه

۲۰۴ ..... آزمون های جامع

۲۱۵ ..... پاسخ نامه تمرین های تستی

۲۷۱ ..... پاسخ نامه آزمون های جامع

۲۷۲ ..... پاسخ نامه کلیدی



انتظارات  
آموزشی

- آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:
- تفاوت فعل‌های ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید را بدانید.
  - ماضی، مضارع، امر و مصدر باب‌های «افتعال، انفعال، تَفَعُّل و استفعال» را بدانید و بتوانید آن‌ها را معنی کنید.
  - فاعل و مفعول را در عربی بشناسید.
  - فعل لازم و متعدی را تشخیص دهید.
  - تفاوت معنای فعل ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید
  - معانی مشهور باب‌های «افتعال، انفعال، تَفَعُّل و استفعال»
  - بر واژگان و مفاهیم درس سوم مسلط باشید.

واژگان و مفاهیم

فعل‌ها

مثال	معنی مصدر	مضارع	ماضی
إِبْتَسَمَتِ الْأُمُّ = مادر لبخند زد.	لبخندزدن، تبسم کردن	يَبْتَسِمُ	إِبْتَسَمَ
فَتَنِّيْتُ سَحَابًا = پس ابری را برمی‌انگیزد.	برانگیختن	يُفَنِّئُ	أَنَارَ
احْتَرَقَ الْبَيْتُ = خانه آتش گرفت.	آتش گرفتن	يَحْتَرِقُ	إِحْتَرَقَ
اجْتَمَعَ زُمَلَانِي لِلْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ = هم‌کلاسی‌هایم برای صف صبحگاهی جمع شدند.	جمع شدن	يَجْتَمِعُ	اجْتَمَعَ
يَحْتَفِلُ النَّاسُ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا = مردم سالانه این روز را جشن می‌گیرند.	جشن گرفتن	يَحْتَفِلُ	إِحْتَفَلَ
اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ = خداوند کسی است که بادها را فرستاد.	فرستادن	يُرْسِلُ	أَرْسَلَ
الصَّيْنُ أَوَّلُ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَعْدَمَتْ نُفُودًا وَرَقِيَّةً = چین اولین حکومت در جهان است که پول کاغذی را به کار برد.	به خدمت گرفتن، استخدام کردن	يَسْتَعِدِّمُ	اسْتَعْدَمَ
لا تَسْتَرْجِعُوا = پس نگیرید.	پس گرفتن	يَسْتَرْجِعُ	اسْتَرْجَعَ
أَسْتَرْجِمُ اللَّهَ = از خداوند رحمت می‌خواهم.	رحمت خواستن	يَسْتَرْجِمُ	اسْتَرْجَمَ
فاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ = برای گناهانشان آمرزش خواستند.	آمرزش خواستن	يَسْتَغْفِرُ	اسْتَغْفَرَ
أنا و زميلي اسْتَلْمْنَا رَسَائِلَ = من و همکارم نامه‌هایی را دریافت کردیم.	دریافت کردن	يَسْتَلِمُ	اسْتَلَمَ
نحنُ نَسْتَمِعُ إلى القرآنِ = ما برای قرآن گوش فرا می‌دهیم.	گوش کردن، استماع کردن	يَسْتَمِعُ	اسْتَمَعَ
نَسْتَعْلِفُ فِي مَزْرَعَتِنَا الْكَبِيرَةِ = در کشتزار بزرگمان کار می‌کنیم.	کار کردن	يَسْتَعْلِفُ	اسْتَعْلَفَ
تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ = زمین از ماهی‌ها پوشیده می‌شود.	شدن	يُصْبِحُ	أَصْبَحَ
هُنَّ اعْتَذَرْنَ مِنكَ = آن‌ها از تو عذرخواهی کردند.	عذرخواستن	يَعْتَذِرُ	اعْتَذَرَ
امْتَلَأَ قَلْبِي مَحَبَّةً = قلبم از محبت پر شد.	پُرشدن	يَمْتَلِئُ	امْتَلَأَ
مَتَعَ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ عَنِ الْعَمَلِ فَاِمْتَنَعَ = پزشک، بیمار را از کار منع کرد، پس (قبول کرد و) خودداری کرد.	خودداری کردن، امتناع کردن	يَمْتَنِعُ	امْتَنَعَ
كَانَ السَّمَاءُ تَمَطَّرُ أَسْمَاكًا = گویا آسمان ماهیانی می‌بارد.	(باران) باریدن	يُتَمَطَّرُ	أَمَطَرَ
قِيلَتْ أُمِّي مَا أَقْتَرَحْتُهَا = مادرم آن‌چه را پیشنهاد دادم پذیرفت.	پیشنهاد دادن	يَقْتَرِحُ	اقْتَرَحَ
يَتَّبِعُ ضَوْءَ مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ = نوری از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود.	فرستاده شدن، مبعوث شدن	يَتَّبِعُ	اتَّبَعَتْ
النَّاسُ نِيَامٌ إِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا = مردم خواب هستند، وقتی بмирند، بیدار می‌شوند.	بیدار شدن، منتبه شدن، آگاه شدن	يَنْتَبِهُ	انْتَبَهَ
كان صديقي يَنْتَظِرُ وَالِدَهُ لِلزُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ = دوستم برای بازگشت به خانه انتظار پدرش را می‌کشید.	انتظار کشیدن، منتظر شدن	يَنْتَظِرُ	انْتَظَرَ
انْتَشَرَ الْكِتَابُ = کتاب منتشر شد.	منتشر شدن	يَنْتَشِرُ	انْتَشَرَ
انْفَتَحَ الْبَابُ = در باز شد.	باز شدن، فتح شدن	يَنْفَتِحُ	انْفَتَحَ
انْقَطَعَتِ الْكَهْرَبَاءُ = برق قطع شد.	قطع شدن	يَنْقَطِعُ	انْقَطَعَ
انْكَسَرَتِ الرُّجُجَةُ = شیشه شکسته شد یا شکست.	شکسته شدن	يَنْكَسِرُ	انْكَسَرَ
فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ = پس آن را در آسمان می‌گستراند.	گستراندن	يَبْسُطُ	بَسَطَ

عربی	فارسی	مثال
نُزول	پایین آمدن، بارش	إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. = بارش باران و برف امری طبیعی است.
والدای	پدر و مادر، والدینم	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ سَتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ. = تعداد همراهان چند نفر است؟ شش نفر: پدر و مادرم و دو خواهرم و دو برادرم.

## اصطلاحات

اصطلاح	معنی	اصطلاح	معنی
حَسَنًا	بسیار خوب	عَبْرَ	از طریق، از راه؛ عَبْرَ الإنترنت: از طریق اینترنت
عَلَى عَيْنِي	به روی چشم	مَرَحِبًا بِ...	خوش آمدید، درود بر ...؛ مَرَحِبًا بِكَ: خوش آمدی، درود بر تو در فارسی مرحبا برای «تحسین کردن» به کار می‌رود؛ مرحبا به تو - آفرین بر تو.

## مترادفها

کلمه	معنی	مترادف	کلمه	معنی	مترادف
أصبح	شد	صارَ	رَأَى	دید	شَاهَدَ
حجرة	اتاق	غرفة	سحاب	ابر	عَيم
حفلة	جشن	مهرجان	سقوط	پایین آمدن	نُزول

## متضادها

کلمه	معنی	متضاد	کلمه	معنی	متضاد
إذْهَبَ	برو	تعالَ	قريب	نزدیک	بعيد
أَنْزَلَ	پایین آورد	رَفَعَ	قصير	کوتاه	طويل
صَدَّقَ	باور کرد	كذَّبَ	مفتوح	باز	مسدود (مُغلق)
صعود	بالارفتن	نزول	ناجح	موفق	رايسب

## مفرد و جمعها

مفرد	معنی	جمع	مفرد	معنی	جمع
إعصار	گردباد	أعاصير	سَمَك	ماهی	أسماك
بطاقة	کارت	بطاقات	ظاهرة	پدیده	ظواهر
تَلَج	برف	تُلوج	فِلم	فیلم	أفلام
ريح	باد	رياح			

## مصدرها

مصدر	معنی	ماضی	مضارع	مصدر	معنی	ماضی	مضارع
الْبَحْثُ	جست‌وجو کردن	بَحَثَ	يَبْحَثُ	الرَّحْمُ	بخشیدن	رَحِمَ	يَرْحَمُ
التَّبْشِطُ	گستراندن	بَشَطَ	يُبَشِطُ	الرَّزْعُ	کاشتن	رَزَعَ	يَزْرَعُ
الرِّبْعُ	دور شدن	بَعَدَ	يَبْعُدُ	السَّحْبُ	کشیدن	سَحَبَ	يَسْحَبُ
الْحُدُوثُ	رخدادن	حَدَثَ	يَحْدُثُ	الْفِقْدَانُ	از دست دادن	فَقَدَ	يَفْقِدُ
الجِصَادُ	برداشت کردن	حَصَدَ	يَحْصُدُ	النُّزُولُ	فرود آمدن	نَزَلَ	يَنْزِلُ
الرُّجُوعُ	بازگشتن	رَجَعَ	يَرْجِعُ				

## گزیده جملات مفهومی



و يُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا.	و برای شما از آسمان رزقی فرود می‌آورد.
اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنْثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ.	خداوند کسی است که بادها را می‌فرستد و ابری را برانگیزد، سپس آن را در پهنة آسمان می‌گستراند.
وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ.	از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، برای شما از میوه‌ها روزی برآورد.
وَ اضْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ أَهْجُرْهُمْ.	بر آنچه می‌گویند صبر کن و از آنها دوری گزین.
النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا.	مردم خواب هستند؛ پس هنگامی که بمیرند، بیدار شوند.
فَأُصِبرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ.	پس صبر پیشه کن قطعاً وعده خداوند حق است و از گناهت استغفار کن.
لَا تَيَأسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ.	از رحمت خداوند ناامید نشوید.
إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.	من می‌دانم آنچه را نمی‌دانید.



فعل‌های ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید



• گروه بزرگی از فعل‌ها در مفرد مذکر غایب خود در ماضی، تنها سه حرف دارند که به آن‌ها سه حرف اصلی یا ریشه فعل گفته می‌شود. در زبان عربی این فعل‌ها «ثلاثی مجرد» نامیده می‌شود. مانند: کتب

• گروه دیگری از فعل‌ها هستند که مفرد مذکر غایب آن‌ها در ماضی بیش از سه حرف دارد؛ به عبارت دیگر علاوه بر سه حرف اصلی، حروف دیگری نیز دارند. در زبان عربی به این فعل‌ها «ثلاثی مزید» گفته می‌شود. این فعل‌ها هشت گروه هستند که هر کدام وزن خاص خود را دارند؛ به هر کدام از این گروه‌ها یک «باب» گفته می‌شود. با قراردادن ریشه مورد نظر در هر یک از این باب‌ها، یعنی به جای «ف، ع، ل»، فعلی جدید با معنایی جدید به دست می‌آید. در این درس با چهار باب ثلاثی مزید و در درس ۴ با چهار باب دیگر آشنا می‌شویم. حفظ‌بودن ماضی، مضارع، امر و مصدر این فعل‌ها لازم است و از آنجایی که این فعل‌ها در قالب‌های مشخصی هستند یادگرفتن آن‌ها آسان است.



صرف فعل‌های ثلاثی مزید برای اشخاص مختلف، تفاوتی با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد ندارد.

مثال: فعل جمع مذکر غایب فعلوا | استغفَلَ جمع مذکر غایب استغفَلوا

ماضی	مضارع	امر	مصدر (اسم باب)	مقایسه مفهومی با ثلاثی مجرد
۱ إِسْتَفْعَلَ (بخشش خواست)	يَسْتَعْفِرُ (بخشش می‌خواهد)	إِسْتَعْفِرْ (بخشش بخواه)	إِسْتِعْفَار (بخشش خواستن)	عَفَرَ = بخشید؛ إِسْتَعْفَرَ = بخشش خواست
۲ اجْتَمَعَ (جمع شد)	يَجْتَمِعُ (جمع می‌کند)	اجْتَمِعْ (جمع شو)	اجْتِمَاع (جمع شدن)	جَمَعَ = جمع کرد؛ اجْتَمَعَ = جمع شد
۳ انْفَتَحَ (باز شد)	يَنْفَتِحُ (باز می‌شود)	انْفَتِحْ (باز شو)	انْفِتَاح (باز شدن)	فَتَحَ = باز کرد؛ انْفَتَحَ = باز شد
۴ تَجَمَّعَ (جمع شد)	يَتَجَمَّعُ (جمع می‌شود)	تَجَمَّعْ (جمع شو)	تَجَمُّع (جمع شدن)	جَمَعَ = جمع کرد؛ تَجَمَّعَ = جمع شد

فعل‌های لازم و متعدی



• **فعل:** کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته یا حال یا آینده و برای شخص خاص (متکلم یا مخاطب یا غایب، مفرد یا مثنی یا جمع، مؤنث یا مذکر) دلالت دارد.

• **فاعل:** انجام‌دهنده کار یا دارنده حالت است؛ در واقع کلمه‌ای است که فعل را به آن نسبت می‌دهیم و در جواب «چه کسی؟» یا «چه چیزی؟» می‌آید.

• **مفعول:** اسمی است که برای بعضی از فعل‌ها که نیاز به مفعول دارند، معمولاً پس از فاعل می‌آید و فاعل، کار را بر آن انجام می‌دهد.

**فعل لازم:** فعلی که برای کامل‌بودن معنی، فقط به فاعل نیاز دارد (یعنی به مفعول نیاز ندارد). فعل لازم است؛ مثلاً فعل‌های رَجَعَ و تَجَلَّسَ در جملات رَجَعَ جَوَادٌ (جواد برگشت) و تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ (ساجده می‌نشاند) لازم هستند، چون معنی آن‌ها با فاعل، (جواد و ساجده) کامل شده است.

**فعل متعدی:** فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی است؛

**مثال:** فعل‌های أَرْسَلَ و يَقَطِّعُ در جملات أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً (جواد نامه‌ای را فرستاد) و يَقَطِّعُ النَّجَّارُ الخَشَبَ (نجار چوب را می‌برد) متعدی هستند، چون برای کامل بودن معنی به مفعول (رِسَالَةً و الخَشَبَ) نیاز دارند.

ما معمولاً فعل‌های لازم و متعدی را از روی معنی تشخیص می‌دهیم. شناختن این فعل‌ها ضروری است.

آشنایی با الگوهای تستی قواعد



الگو اول: تشخیص فعل مجرد از مزید

روشنی پاسیگر پی ۸

۱- ابتدا شناسه‌های انتهای فعل‌ها را حذف کنید (مثلاً «ت» یا «تم» در فَعَلْتَ یا فَعَلْتُمْ) و اگر فعل مضارع است حرف ابتدای فعل (ب، ت، ا، ن) را نیز حذف کنید. اگر بیش از سه حرف باقی بماند، نشان می‌دهد که فعل ثلاثی مزید است.

إِسْتَفْعَلْتُ «ت» را حذف کنید. | يَسْتَعْفِلُنُ «ن» و «ب» را حذف کنید.

۲- با کنار گذاشتن ۳ حرف اصلی (ف، ع، ل) در صیغه مفرد مذکر غایب ماضی می‌توانید تعداد حروف زائد در هر باب ثلاثی مزید را تشخیص دهید. دقت کنید در ماضی باب «فَعَلَّ» حرف «ت» که در ابتدای فعل ماضی است ربطی به حرف‌هایی که فعل مضارع با آن‌ها آغاز می‌شود (ب، ت، ا، ن) ندارد و جزء حروف زائد است. به این ترتیب خواهید دید که باب‌های اِفْتَعَلَ، اِنْفَعَلَ، تَفَعَّلَ دو حرف زائد و باب اِسْتَفْعَلَ سه حرف زائد دارد.



مَنَع: منع کرد (بازداشت) ⇨ اِمْتَنَعَ: منع شد (خودداری کرد)

كَسَرَ: شکست (شکاند) ⇨ اِنكسَرَ: شکسته شد.

عَلَّمَ: یاد داد ⇨ تَعَلَّمَ: یاد گرفت

اگر دقت کنید وقتی فعل به این باب‌ها می‌رود، مفهوم اثرپذیری (مطاوعه) می‌یابد. اثرپذیری یعنی فعلی که در اثر انجام فعل دیگری که از همان ریشه فعلی است پدید می‌آید، برای مثال «یادگرفتن» در اثر «یاد دادن» پدید می‌آید، پس در «یادگرفتن» مفهوم اثرپذیری (مطاوعه) وجود دارد.

## تمرین تستی

### واژگان و مفاهیم

#### ۱۷۰. عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرَادِفِ:

۱ التَّاس نِيَامٌ: راقدون

۳ فَأَصْبَحَتِ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ: صارت

#### ۱۷۱. عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا إِسْمُ الْجَمْعِ:

۱ الإعصار ریح شدیدة تنتقل من مكان إلى مكان آخر.

۳ حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سِنُوَاتٍ طَوِيلَةً.

#### ۱۷۲. اِنْتَخَبَ الصَّحِيحُ: «الهي قد ..... رجائي، ..... ذنوبي».

۱ قَطَعَ - اِسْتغْفِر

۲ اِنقَطَعَ - اِغْفِر

#### ۱۷۳. عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا الْمُتَضَادُّ اَكْثَرُ:

۱ الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَالتَّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ.

۳ أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ كَثِيرٌ.

#### ۱۷۴. عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةِ: «احتفالٌ عامٌ بمناسبةٍ جميلةٍ»

۱ مهرجان

۲ مطر السمك

#### ۱۷۵. عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ:

۱ سنوي

۲ شهري

#### ۱۷۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ لترجمة الفعل:

۱ الطَّالِبَاتُ يَتَخَرَّجْنَ: خارج می‌شوند

۳ یا زملائي تَعَلَّمُوا: یاد بگیرید

#### ۱۷۷. عَيْنُ الصَّحِيحِ لترجمة الفعل:

۱ من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها: آمد

۳ تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ: بیاموزید.

#### ۱۷۸. عَيْنُ الْخَطَا عَنْ التَّرَادِفِ وَالتَّضَادِّ:

۱ قام = تَهَضَّ / غالية ≠ رخيصة

۳ راقدون = نيام / صدق ≠ كذب

#### ۱۷۹. عَيْنُ الْخَطَا حَسَبَ التَّوضِيحَاتِ:

۱ الجواز: ما نحتاج به للدَّهَابِ إِلَى بَلَدٍ آخَرَ.

۳ اقتراح: إعطاء حلٍّ و بيان طريقة للقيام بعملٍ.

#### ۱۸۰. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ:

۱ قد تُحَيِّرُنِي هَذِهِ الظَّاهِرَةُ الْعَجِيبَةُ: آشكار

۳ بُسَافِرُ السَّائِحُونَ سَنَوِيًّا إِلَى إِصْفَهَانَ: سالانه

#### ۱۸۱. عَيْنُ الْخَطَا عَنْ الْمَفْرَدِ:

۱ أعاصير: أعصار / الیسار: السَّالِم

۳ نيام: نائم / مسدود: مُغْلَق

#### ۱۸۲. عَيْنُ مَا لَا يَنَاسِبُ فِي تَكْمِيلِ الْفَرَاعَاتِ:

۱ لَمَّا وَصَلَ الْمَسَافِرُونَ إِلَى قِسمِ إِدارة .....: الجوازات

۳ فَاجْعَلُوا ..... فِي أَيْدِيكُمْ: المرافقين

#### ۱۸۳. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ التَّرَادِفِ وَالتَّضَادِّ:

۱ لِمَاذَا يَبْتَسُّ هَذِهِ التَّلْمِيذَةُ؟ ≠ رَجَتْ

۳ بَعْدَ نَزُولِ التَّلْجِ يُصْبِحُ الْجَوُّ بَارِدًا. يَسِيرُ

#### ۱۸۴. عَيْنُ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِسْمُ الْجَمْعِ:

۱ اللهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ قَتْنِيْرٌ سَحَابًا.

۳ يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعَدْوَانَ فَيَحْضُدُ الْحُسْرَانَ.

۲ البابُ مُغْلَقٌ: مفتوح

۴ شاركت في مهرجان الأفلام: حفلة

۲ هذه ليست متعلقة بالمياه المجاورة.

۴ تتساقط الأسماكُ على الأرض بعد هذه الأمطار الشديدة.

۳ قطع - اِغْفِر

۴ اِنقَطَعَ - اِسْتغْفِر

۲ ذلك المطر حقيقي و ليس فلماً خيالياً.

۴ إذا ملك الأراذل هلك الأفاضل.

۳ غيم

۴ بقعة

۳ مائي

۴ يومية

۲ اِنْفَتَحَ الْبَابُ: باز کرد

۴ اَصْدِقَائِي لَا يَتَكَلَّمُونَ أَبَدًا: سخن نگفتند

۲ إذا ماتوا اِنْتَبَهُوا: بیدار شدند

۴ تَنْقَطِعُ الشَّجَرَةُ: قطع کرد

۲ نُفَايَةُ = زُبَالَةٌ / مُغْلَقٌ ≠ مفتوح

۴ مهرجان = حفلة / نُزُولٌ ≠ صعود

۲ المشمش: فاكهة يأكلها النَّاسُ مُحَقَّقَةً و غير مُحَقَّقَةٍ.

۴ الْمُكَيِّفُ: آله كهرباتيَّة نسنفيدُ منها دائماً.

۲ يعملُ فَرِيْقٌ فِي هَذَا الْمُخْتَبَرِ لِلتَّعَرُّفِ عَلَى سَبَبِ الْأَمْرَاضِ: دستيابی

۴ بَعْدَ فِقْدَانِ سُرْعَةِ الْإِعْصَارِ تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ: نابودی

۲ ثلوج: ثلج / احتفال: حفل

۴ وجوه: وجه / حجرة: غرفة

۲ قال الشَّرْطِي لَهُمْ: .....: شرفتمونا

۴ و انتظروا لـ .....: التفتيش

۲ ما ظَنَنْتُ هَذَا حَقِيقَةً: ما فهمت

۴ لَا اسْتفِيدُ مِنْ آيِّ جِهَازٍ لِلخِلاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيفِ: جواز

۲ زَانَ اللهُ السَّمَاءَ بِأَنْجَمٍ جَمِيلَةٍ.

۴ اِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتَهُمْ لِي سَاجِدِينَ.

١٨٥. عَيْنُ الصَّحِيحِ لترجمة الأفعال:

- ١ تحدُّتْ هذه الظَّاهرة مَرَّتَيْنِ في السَّنَةِ: ايجاد مي كند  
٢ لا تُحَيِّرْ هذه الظَّاهرة أَحَدًا مِمَّا حَدَّتْ: سرگردان نمی شود  
٣ عَيْنُ الخَطَأِ للتوضيحات حول هذه العبارة: «شاهدنا غيمَةً سوداءَ و مطراً شديداً أمس و في الليلِ عَصَفَتْ رياحٌ شديدة.»  
١ مترادف غيم: سحب / معنى «سوداء»: سياه و مذكوره: «أسود»  
٢ جمع قَطْرٍ: أمطار / مفرد رياح: ریح  
٣ اللَّيْلُ: الوقت الممتدّ من مطلع الشَّمْسِ حتّى مغربها / معنى عصفت: وزید  
٤ مترادف شاهدنا: رأينا / متضاد أمس: الغد

١٨٧. عَيْنُ الصَّحِيحِ حَسَبَ الواقع:

- ١ التَّلَجُّ على الجبالِ في الشِّتَاءِ من مصادرِ المياه التي تجري في الضيف.  
٢ مهرجانُ الأفلامِ نوعٌ من الإحتفالاتِ التي يحتفلُ النَّاسُ به في إيرانَ فقط.  
٣ في كُلِّ البلادِ نزولُ المطرِ و التَّلَجُّ يختصُّ بفصلِ الشِّتَاءِ.  
٤ اليومُ الخامسُ منْ أيامِ الأسبوعِ يومُ الخميسِ.

١٨٨. عَيْنُ الخَطَأِ في المفهوم:

- ١ إنَّ الرّأي لا يتمُّ بالكلام بل المهمُّ هو العمل و الجدِّ: به عمل کار برآید به سخندانی نیست  
٢ مجالسة الأشرار توجب التُّلف: تا توانی می گریز از یار بد بدتر بود از مار بد  
٣ نجاة الإنسان في حفظ لسانه: به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که پبلی به مویی کشی  
٤ من طلب العُلَى سهر اللَّيالي: نابرده رنج گنج میسر نمی شود

١٨٩. «كان المُدرِّسُ يُعَلِّمُ تلاميذه دروساً مفيدة.» عَيْنُ غيرِ المناسبِ في السُّؤال:

- ١ لِمَن كان يُعَلِّمُ المُدرِّسُ؟ ٢ ما كان يُعَلِّمُ المُدرِّسُ؟ ٣ مَن كان يُعَلِّمُ دروساً؟ ٤ متى كان المُدرِّسُ يُعَلِّمُ الدُّروسَ؟

١٩٠. عَيْنُ سؤالاٌ نستفيدُ في جوابه مِنَ الأعداد:

- ١ هل عندك بطاقةٌ واحدة؟ ٢ من أيِّ بِلدٍ سافرت؟ ٣ كم عددُ بلادٍ سافرت إليها؟ ٤ في أيِّ مكانٍ تُصَلِّي؟

١٩١. «النَّاسُ نيامٌ فإذا ماتوا انتبهوا.» عَيْنُ المناسبِ لمفهومِ العبارة:

- ١ إذا مات الإنسانُ انقطعَ عملُهُ.  
٢ تركُ النَّيامِ مقدّمَةٌ للانتباه.  
٣ أهلُ الدُّنيا كَرُكوبٌ يُسارُ بهم و هم نائمون.  
٤ اعملْ لدنياك كأنَّك تعيشُ أبداً و اعملْ لِآخِرَتِكَ كأنَّكَ تموتُ غداً.

أجب عن الأسئلة حسب هذا العبارة:

«في أحد البلاد ..... ١٩٢ ..... السَّماءُ أسماكاً يسمي النَّاسُ هذه الظَّاهرة ..... ١٩٣ ..... و النَّاسُ ..... ١٩٤ ..... هذا اليوم سنويّاً.»

١٩٢. عَيْنُ المناسبِ لتكميل الفراغ:

- ١ تُشاهدُ ٢ تَرى ٣ تَسحبُ ٤ تُمطرُ  
١ نزولُ المطرِ ٢ مطرُ السَّمكِ ٣ مهرجانُ الأسماكِ ٤ الأرضُ المفروشة  
١ يَحْتفلونَ في ٢ يَحْتفلونَ لـ ٣ يَحْتفلونَ ٤ يَحْتفلونَ بِـ



درك مطلب

اقرأ النَّصَّينِ التَّالِيَيْنِ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الاسْئَلَةِ حَسَبِمَا.

«سقوطُ السَّمكِ مِنَ السَّماءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ فِي جُمهُورِيَّةِ الهِنْدوراسِ فِي أَمْرِيكا الوُسْطَى. تحدُّتْ هذه الظَّاهرة مَرَّةً واحِدةً فِي السَّنَةِ أَوْ مَرَّتَيْنِ أَحْيَاناً. يَلاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سوداءَ عَظِيمَةً وَ رَعداً وَ بَرقااً وَ رِياحاً قَويَّةً وَ مَطراً شَديداً لِمدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الأَرْضُ مَفروشةً بِالأسماكِ. حَاولِ العُلَماءُ مَعْرِفَةَ سَبَبِ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ وَ وَجَدُوهُ بَعْدَ إِرسالِ فَرِيقٍ لزيارةِ المَكانِ.»

١٩٥. عَيْنُ الصَّحِيحِ حَولَ «ظاهرةِ سقوطِ الأسماكِ مِنَ السَّماءِ»:

- ١ فِي بعضِ السَّنِينِ تحدُّتْ ظاهِرةٌ مطرِ السَّمكِ.  
٢ تحدُّتْ هذه الظَّاهرة ثُمَّ يرى النَّاسُ رِياحاً قَويَّةً وَ مَطراً شَديداً.  
٣ هذه الظَّاهرة تحدُّتْ فِي جُمهُورِيَّةِ الهِنْدوراسِ الَّتِي تَقعُ فِي أَمْرِيكا الوُسْطَى. ٤ حَاولِ العُلَماءُ أَنْ يُشاهدوا الأَرْضَ المَفروشةَ بِالأسماكِ.

١٩٦. كم مَرَّةً تحدُّتْ ظاهِرةٌ مطرِ السَّمكِ؟

- ١ تحدُّتْ مَرَّةً واحِدةً فِي عَامينِ أَثنينِ.  
٢ لا تحدُّتْ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ سَنَةٍ.  
٣ تحدُّتْ كُلِّ سَنَةٍ مَرَّتَيْنِ.  
٤ تحدُّتْ فِي بعضِ سَنواتِ.

١٩٧. عَيْنُ الخَطَأِ على حَسَبِ النَّصِّ:

- ١ من عَلاماتِ بَدايَةِ مطرِ السَّمكِ اِجْادُ رَعْدٍ وَ بَرقٍ وَ غَيْمَةٍ سوداءَ فِي السَّماءِ. ٢ لَم يَجدْ أَحَدٌ سَبَبَ هذه الظَّاهرةِ.  
٣ فِي النِّهايةِ وَجَدَ العُلَماءُ سَبَبَ هذه الظَّاهرةِ العَجيبَةِ. ٤ تُصْبِحُ الأَرْضُ مَفروشةً بِالأسماكِ بَعْدَ السَّاعَتَيْنِ.

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الاسْئَلَةِ:

«هناك سَمكٌ يُسمَّى بِـ «سَمكِ القَرشِ». هو يَمْلِكُ حَاسَةً شَمَّ تُرشدُه نَحوَ قَطرةِ دَمٍ فِي أعماقِ البَحرِ. فيكفي أَنْ يُذكَرَ اسْمُهُ قُربَ أَحَدِ البَحرِ لِيسيطِرَ الرَعْبُ على ذلكِ المَكانِ! هذا السَمكُ القَويُّ يَخافُ من سَمكَةٍ صَغيرةٍ اسْمُها «سَمكُ موسى». حينَ يَقْتَرِبُ «سَمكُ القَرشِ» من «سَمكِ موسى» يُخرِجُ مادَّةً فِيها رائحةٌ كَرِيهَةٌ وَ سَمٌّ قاتِلٌ يُؤثِّرُ على أَعْصابِ القَرشِ فيصابُ بِالسَّلَلِ (الفَلَجِ).»

١٩٨. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ١ «سَمكُ موسى» يُصابُ بِالسَّلَلِ بَعْدَ رَويَةِ عَدُوِّهِ.  
٢ الرَائحَةُ الكَرِيهَةُ هي السَّبَبُ الوَحيدُ لَهلاكِ الأَعداءِ.  
٣ النَّاسُ يَخافونَ بِشِدَّةٍ من سَماعِ اسمِ «سَمكِ موسى»!  
٤ سَمكُ القَرشِ بَعْدَ إِصابَةِ السَّمِّ لا يَقْدِرُ أَنْ يَحْتَرِكاً!

١٩٩. ماذا نستنبط من العبارة التالية؟ «هو يملك حاشة شمّ تُرشده نحو قطرة دم.»

- ١ يُحِبُّ الدَّمُ كثيراً فيبحث عنه.  
٢ يَحْضُلُ على صيده و لو كان صغيراً و بعيداً.  
٣ غداؤه الدَّمُ و لا يتناول شيئاً غيره.  
٤ حاشة شمّه أقوى بقليل من الإنسان.

٢٠٠. لماذا يخاف الناس من سمك القرش؟ لأنه .....

- ١ يُؤَثِّرُ على أعصابهم فيصابون بالشلل!  
٢ يخاف من سمكة صغيرة اسمها «سمك موسى»!  
٣ يملك حاشة قوية تُرشده نحو الأسماك!  
٤ قوي يقتل و يُخزب كل شيء يراه أمامه!

٢٠١. مفهوم النص حول:

- ١ سمك موسى و راحته الكريهة.  
٢ عظمة سمك القرش و قدرته.  
٣ بقاء الضعيف و عيشه مع القوي.  
٤ حاشة شمّ سمك القرش القوية.

## قواعد

٢٠٢. عيّن الجملة التي فيها «الفعل المزيد»:

- ١ ما تَفَعَّلُوا مِن خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ.  
٢ تَسْتَسْقِطُ العُصْفُ و سَأَجْلِسُ عليه.  
٣ سَأَرْجِعُ قَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ لِيُزَارَتَكَ.  
٤ تَحْتَلِنَا صعوبات الحياة لنفوز.

٢٠٣. في أيّ عبارة عدد الأفعال الثلاثية المزيدة أكثر من غيرها؟

- ١ اشْتَرَكْتُ كُلَّ زُمَلَائِي فِي حَفْلَةِ مِيلَادِي و تَعَجَّبْتُ مِنْ هَذَا و فَرِحْتُ.  
٢ لَا تَتَكَلَّمْ عَنِ سَيِّئَاتِ الْآخَرِينَ و لَا تَشْتَرِكْ فِي الْأَعْمَالِ الشَّيْئَةِ و تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.  
٣ اعْتَمِدْ عَلَى صَدِيقَاتِكَ و اجْتَنِبْ مِنْ أَعْدَائِكَ و اضْبِرْ.  
٤ اسْمِعِي كَلَامِي و لَا تَلْبِسي هَذَا الفُسْتَانَ و ابْتَسِمِي.

٢٠٤. عيّن الفعل الثلاثي المزيد بزيادة ثلاثة حروف:

- ١ لَا تَتَعَلَّقْ هَذِهِ الْأَسْمَاكُ الْجَمِيلَةَ بِهَذِهِ الْمِيَاهِ.  
٢ سَتَيْسْتَلِمُ إِخْوَانِي نُقُودَهُمْ مِنَ الصُّنْدُوقِ.  
٣ كَانَتِ الْبِنَاتُ يَنْتَظِرْنَ أُمَّهَاتِهِنَّ لِلرُّجُوعِ إِلَيْهِنَّ.  
٤ سَتَيْسْتَرْجِعُ الرَّجُلَ الْأَمِينُ الْأَمَانَاتِ.

٢٠٥. عيّن حرف «النون» ليس من الحروف الأصلية للفعل:

- ١ رَائِحَةُ الْأَزْهَارِ تَنْتَشِرُ فِي سَاحَةِ الدَّارِ.  
٢ تَنْتَخِبُ مُعَلِّمُنَا أَرْبَعَ مَقَالَاتٍ مِنْ بَيْنِ هَذِهِ الْمَقَالَاتِ.  
٣ إِنْكَسَرَتْ هَذِهِ الزَّجَاجَةُ بِيَدِ الطِّفْلِ.  
٤ يَنْعَمُنَا رَبُّنَا هَذِهِ النِّعَمَ الْكَثِيرَةَ.

٢٠٦. عيّن عبارة فيها فعلٌ مزيدٌ واحدٌ فقط:

- ١ أتعجب من شجاعتك لأنك تنتصر في القتال.  
٢ اجتهدت القلائح في مزارعهم كثيراً و جمعت كل المحاصيل.  
٣ تسترجع أن نشترى هذه الملابس الجميلة.  
٤ هما يتحدثان عن أمرٍ خطيرٍ و نحن نتنظرون.

٢٠٧. عيّن الخطأ في صياغة الأمر:

- ١ تقربان ﴿﴾ إقربا ﴿﴾ تتخرجين ﴿﴾ تخرجي ﴿﴾  
٢ تعذرون ﴿﴾ إعتذروا ﴿﴾ تستغفرون ﴿﴾ استغفروا ﴿﴾

٢٠٨. عيّن الصحيح:

- ١ لا تبتسم ﴿﴾ فعل النهي من باب تفعل ﴿﴾  
٢ لا تتنظرون ﴿﴾ فعل الأمر من باب إفعال ﴿﴾  
٣ استرجعوا ﴿﴾ فعل الأمر، من باب إستفعال ﴿﴾  
٤ تعلموا ﴿﴾ الفعل المضارع، من باب تفعل ﴿﴾

٢٠٩. عيّن الخطأ:

- ١ نحن نستغفرون ﴿﴾ يا بنتي، استمع ﴿﴾  
٢ هما تعلمان ﴿﴾ فاطمة اعتذرت ﴿﴾

٢١٠. عيّن الخطأ:

- ١ الأمر من تستخدم ﴿﴾ استخدم ﴿﴾  
٢ المصدر من انتخب ﴿﴾ انتخب ﴿﴾  
٣ المستقبل من إنهدم ﴿﴾ سيهدم ﴿﴾  
٤ النهي من تنشئ ﴿﴾ لا تنشئ ﴿﴾

٢١١. ضغ في الفراغ فعلاً مناسباً: «ما وجدت أبي و ..... مع أمي في هذا الموضوع أمس.»

- ١ تكلمت ﴿﴾ أتكلم ﴿﴾  
٢ سأتكلم ﴿﴾ تكلمت ﴿﴾  
٣ التهي من تنشئ ﴿﴾ لا تنشئ ﴿﴾  
٤ المصدر من انتخب ﴿﴾ انتخب ﴿﴾

٢١٢. عيّن ما يختلف في الباب:

- ١ كان مدير المدرسة ينتظره. ﴿﴾  
٢ كان مدير المدرسة يستعمل هذا الأسلوب لتعليمنا. ﴿﴾  
٣ كان مدير المدرسة ينتشر هذا الخبر. ﴿﴾  
٤ كان مدير المدرسة يستمع إليك. ﴿﴾

٢١٣. عيّن الخطأ في استخدام الأفعال:

- ١ الأطباء يستعملون هذا الدواء للأمراض. ﴿﴾  
٢ لا تقربا من السيارات، يا أصدقائي. ﴿﴾  
٣ تعترض أختي على أستاذها نتيجة امتحانها. ﴿﴾  
٤ أحترم أبي و أمي في جميع الأحوال. ﴿﴾

٢١٤. عيّن عبارة جاء فيها مصدرٌ من مزيد ثلاثي:

- ١ وجد أن جميع الأسماك المنتشرة على الأرض بنوع واحد. ﴿﴾  
٢ إن نزول المطر من السماء شيء طبيعي. ﴿﴾  
٣ مهران الكتاب إفتال يجيونه كل أصدقائي. ﴿﴾  
٤ أنا شاهد سقوط الأجر من السماء. ﴿﴾

٢١٥. عيّن ما فيه الفعل الثلاثي المزيد من باب «افتعال»:

- ١ لا تيأسوا من روح الله. ﴿﴾  
٢ سجت المدرسة زميلتي فصارت تلميذة مثالية. ﴿﴾  
٣ الصيادون ستروا حفرة في الغابة. ﴿﴾  
٤ يمتليء قلبي حباً لربي بعد هذه الحوادث. ﴿﴾



۲۱۶. عین الفعل اللازم:

- ۱ یَسْتَطِيعُ التَّمَسَّحُ أَكْلَ طَعَامٍ أَكْبَرَ مِنْ فِيهِ.  
۲ يُسَاعِدُنَا هَذَا الْحَيَوَانَ الصَّغِيرَ عَلَى تَهْيِئَةِ الطَّعَامِ.

۲۱۷. عین عبارة تشمل على الفعل المتعدّي:

- ۱ يَتَكَامَلُ شَرْفًا بِكَثْرَةِ التَّوَاضُعِ.  
۲ انْتَقَلَتِ الرِّيحُ السَّدِيدَةُ إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ.

۲۱۸. عین الفعل الذي يحتاج إلى المفعول:

- ۱ رَجَعَ ۲ يَبْقَعُ

۲۱۹. عین الجملة التي فيها فعلٌ يحتاج إلى المفعول لتكميل معناه:

- ۱ قُلْ لِلْمُرَافِقِينَ: اجْعَلُوا فِي أَيْدِيكُمْ وَادْهَبُوا إِلَى تِلْكَ الْغُرْفَةِ.  
۲ لَا يَجُورُ الْإِصْرَاءُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ.

۲۲۰. عین الفعل الذي لا يحتاج إلى المفعول:

- ۱ مَا إِشْتَرَجَعَ هَوْلًا الْغَمَّالُ الْأَمَانَاتِ مِنْكُمْ.  
۳ أَخِي تَقِيلُ الشَّمْعَ بِسَبَبِ مَرَضِي أَصَابَهُ إِثَامَ الطُّفُولَةِ.

۲۲۱. ضَع فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا: «الْإِيرَانِيُّونَ ..... بِالنُّورِزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.»

- ۱ كَانُوا يَحْتَفِلُونَ ۲ اِحْتَفَلُوا ۳ يَحْتَفِلُونَ ۴ سَيَحْتَفِلُونَ

۲۲۲. عین الصَّحیح للفعل في هذه الجملة: «كان المسافران يركبان السيَّارةَ و هما راضيان.»

- ۱ فعلٌ ثلاثيٌّ مزيدٌ ۲ يعادل الماضي الإستمراري ۳ يدلُّ على المستقبل ۴ يدلُّ على المخاطبتين

۲۲۳. عین الخطأ في الكلمات في هذه العبارة: «كان أبي أولَ مَنْ إِشْتَرَى آلَةَ طِبَاعَةٍ وَ وَضَعَ هَذِهِ الْبِضَاعَةَ فِي الْمَطْبَعَةِ.»

- ۱ إِشْتَرَى ⇨ الفعل الماضي / الثلاثيُّ المزيدُ من باب افتعال ۲ طِبَاعَةٌ ⇨ الاسم المؤنث / الصفة  
۳ وَضَعَ ⇨ الفعلُ الثلاثيُّ المُجَرَّدُ / الفعل المتعدّي ۴ هَذِهِ ⇨ اسمُ الإشارة / مفعول

۲۲۴. عین الصَّحیح في تعيين نوعية الكلمات: «ما تعرَّفَ الأفرقةُ على سرِّ ظاهرةٍ تتساقطُ فيها الأسماكُ على الأرض.»

- ۱ تعرَّفَ: الفعل، المضارع، المفرد، المؤنث، مصدره «التعرُّف» ۲ تتساقطُ: الفعل، المضارع، المفرد، المؤنث، مصدره «سقوط»  
۳ الأفرقة: الاسم، الجمع المكشَّر، المؤنث ۴ الأسماكُ: الاسم، الجمع المكشَّر، مفرده «السمك»

۲۲۵. عین عبارة ما جاء فيها الفعل المتعدّي:

- ۱ أَنْتُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ. ۲ اغسلوا وجوهكم.

۲۲۶. عین ما ليس فيه فعلٌ له حروف زائدة:

- ۱ يتناولُ النَّاسُ الأسماكَ الَّتِي تتساقطُ على الأرض.  
۲ هل يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

۲۲۷. عین الخطأ في المصادر:

- ۱ اسْتَرْجَعَ: استرجاع ۲ انْفَتَحَ: افتتاح

۲۲۸. عین ما فيه يختلف الأفعال في بابها:

- ۱ اسْتَمِعُوا بِكَلَامِ وَالِدَيْكُمْ.  
۲ اسْتَلَمْنَا الرِّسَالَةَ عَبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ.

۲۲۹. في أيِّ أجابة كلِّ الأفعال مصادرها على وزن واحدٍ؟

- ۱ تَنَازَعُ، يَجَاهِدُ، أَتَفَاهَهُ ۲ تَحَيَّرَ، تَقَدَّسَ، تَدَبَّرِي

۲۳۰. انتخب الجملة التي لكلِّ أفعالها حرفان زائدان:

- ۱ أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَ تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ.  
۲ نَجَّهْتُ كَثِيرًا حَتَّى نَجَّحَ فِي الْامْتِحَانِ.

- ۲ هَذَا الطَّائِرُ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةَ يَمْتَقَارُهُ.

- ۴ تَرْتَبِطُ حَيَاتُنَا وَ الْمَاءُ مَعًا.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۴ لَا يَنْزِلُ التَّلْجُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.

- ۲ تَنُمُو ۳ تَجَلِّسُونَ

- ۲ أَحْوَايَ يَتَكَلَّمَانِ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا.

- ۴ تَبَسَّمتُ أُمِّي لِأَخِي الصَّغِيرِ وَ قَرِحَ.

- ۲ لَا تَيَّأَسُ بِئْسَى الصَّغِيرَةُ وَ تَبْتَسِمُ فِي السُّدَّائِدِ.

- ۴ نَحْنُ ظَلَمْنَا هَذَا الطَّائِرَ فَعَلِينَا بِمُسَاعَدَتِهِ.

- ۲ يَحْتَفِلُونَ ۳ سَيَحْتَفِلُونَ

- ۲ يدلُّ على المستقبل

- ۲ طِبَاعَةٌ ⇨ الاسم المؤنث / الصفة ۳ اسمُ الإشارة / مفعول

- ۲ تتساقطُ: الفعل، المضارع، المفرد، المؤنث، مصدره «سقوط»

- ۴ الأسماكُ: الاسم، الجمع المكشَّر، مفرده «السمك»

- ۲ أَنْتُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ. ۳ اغسلوا وجوهكم.

- ۲ هل يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

- ۱ اسْتَرْجَعَ: استرجاع ۲ انْفَتَحَ: افتتاح

- ۱ اسْتَمِعُوا بِكَلَامِ وَالِدَيْكُمْ. ۲ اسْتَلَمْنَا الرِّسَالَةَ عَبْرَ الْإِنْتَرْنِتِ.

- ۱ أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَ تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ. ۲ نَجَّهْتُ كَثِيرًا حَتَّى نَجَّحَ فِي الْامْتِحَانِ.

- ۲ تَنَازَعُ، يَجَاهِدُ، أَتَفَاهَهُ ۳ تَحَيَّرَ، تَقَدَّسَ، تَدَبَّرِي

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

- ۲ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي. ۳ اِشْتَرَيْنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لِخَفَلَةِ مِيلَادِ أَخِي.

ترجمه

مراحل پاسخگویی به سؤال‌های ترجمه را به یاد داشته باشید:

۱- یافتن موارد کلیدی / ۲- ردّ گزینها براساس موارد کلیدی (حداقل ۲ گزینه) / ۳- مقایسه گزینها باقی مانده با صورت سؤال

ترجمه‌ها نك عبارتی:

عین الأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

۲۳۱. حَسَنًا فَلَا تَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ الْخَيَالِيَّةِ لِأَنَّهَا تُحَيِّرُكَ.

- ۱ خوب است، پس به این تصویرهای خیالی نگاه نمی کنی و گیج نمی شوی.  
۲ بسیار خوب، پس به اینها نگاه نکن که تصویرهای خیالی تو را گیج نکنند.  
۳ چه خوب، پس نباید به این تصویر خیالی نگاه کنی و گیج شوی.  
۴ بسیار خوب، پس به این تصاویر خیالی نگاه نکن برای این که آنها تو را گیج می کنند.

۲۴۳. المسلمون أخذوا من الأمم المختلفة أحسن علومها و حاولوا للتعرف على ما يحدث في الطبيعة.

- ۱) مسلمانان از طریق ملت‌های گوناگون، علوم بهتر را برگرفتند و برای رسیدن به آنچه در طبیعت رخ می‌دهد، تلاش کردند.
- ۲) مسلمانان از ملل مختلف بهترین علوم آن‌ها را برگرفتند و با تلاش به آنچه در طبیعت روی می‌دهد، آگاه شدند.
- ۳) مسلمانان از ملت‌های گوناگون بهترین دانش‌هایشان را گرفتند و برای شناختن آنچه در طبیعت رخ می‌دهد، تلاش کردند.
- ۴) ملت‌های مختلفی از مسلمانان بهترین علوم را گرفتند و برای آگاهی بر رخدادهای طبیعی کوشیدند.

۲۴۴. كان التلاميذ ينتظرون مَدْرَسَهُمْ ولكنَّه ما استطاع أن يفتَحَ بابَ الصفِّ المُعلَقِ.

- ۱) دانش‌آموزان انتظار معلمشان را می‌کشیدند ولی او نتوانست در بسته کلاس را بگشاید.
- ۲) دانش‌آموزان در انتظار معلم خود بودند ولی نتوانستند در بسته شده کلاس را باز کنند.
- ۳) دانش‌آموزان منتظر معلم خود بودند ولی قادر نبودند که در کلاس را که بسته شده بگشایند.
- ۴) دانش‌آموزان منتظر معلم بودند اما او نمی‌توانست در کلاس بسته را باز کند.

۲۴۵. أنا أَسْتَشِيرُ رُؤْمَلَاتِي فِي الْأُمُورِ الدَّرَاسِيَّةِ وَ أَجْتَهِدُ كَثِيرًا وَ الْآنَ جَاهِزٌ لِلْمُتَحَنَاتِ.

- ۱) من با دوستانم در کارهای تحصیلی مشورت می‌کردم و بسیار می‌کوشیدم و اکنون آماده امتحانات هستم.
- ۲) من و همکلاسی‌هایم در مورد امور تحصیلی با هم مشورت می‌کنیم و بسیار می‌کوشیم و اکنون آماده امتحان هستیم.
- ۳) من با همکلاسی خودم در کارهای درسی مشورت می‌کنم و تلاش می‌کنم و اکنون آماده امتحانم.
- ۴) من با همکلاسی‌های خودم در کارهای تحصیلی مشورت می‌کنم و بسیار می‌کوشم و اکنون آماده امتحانات هستم.

۲۴۶. إِنَّ سَبَبَ تَشْكِيلِ السَّحَابِ فِي السَّمَاءِ تَصَاعُدُ الْمَاءِ فِي الْجَوِّ بَعْدَ أَنْ تُحَوَّلَهُ أَشْعَةُ الشَّمْسِ الْبَاحِرِ.

- ۱) همانا دلیل تشکیل ابر در آسمان، بالا رفتن آب‌ها در هواست بعد از تبدیل شدن آن‌ها به بخار با اشعه خورشید.
- ۲) همانا دلیل تشکیل ابر در آسمان، بالا رفتن آب در هواست بعد از این‌که نور خورشید آن را به بخار تبدیل کند.
- ۳) دلیل تشکیل ابر در آسمان‌ها این است که آب در هوا بالا می‌رود بعد از این‌که با نور خورشید به بخار تبدیل شود.
- ۴) قطعاً علت تشکیل ابرها در آسمان این است که بعد از این‌که نور خورشید آب را به بخار تبدیل کند در آسمان بالا می‌رود.

۲۴۷. فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ تَخَرَّجَتْ أُخْتِي مِنَ الْجَامِعَةِ وَ احْتَفَلَتْ أُمِّي بِهَذِهِ الْمُنَاسِبَةِ.

- ۱) سال گذشته برادرم از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و مادرم به این مناسبت جشن گرفته بود.
- ۲) خواهرم در سال قبل از دانشگاه خارج می‌شود و مادرم به این مناسبت جشن می‌گیرد.
- ۳) سال گذشته خواهرم از دانشگاهش فارغ‌التحصیل شد و مادر به این مناسبت جشن گرفت.
- ۴) در سال گذشته خواهرم از دانشگاه دانش‌آموخته شد و مادرم به این مناسبت جشن گرفت.

## ترجمه‌ها چند عبارتی:

۲۴۸. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) يَتَسَّى الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ: دانشمندان از شناخت راز این پدیده ناامید می‌شوند.
- ۲) كُلُّ وَاحِدٍ مَتَا بَطَاقَتُهُ يَبْدُو: هر یک از ما بلیتش در دستش است.
- ۳) الْمِشْمَشُ فَكِهَةٌ كَانِ النَّاسُ يَأْكُلُهَا مُجَفَّفَةً: زردآلو میوه‌ای است که مردم آن را خشک می‌خورند.
- ۴) عِنْدَمَا يَفْقَدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ: وقتی گردباد سرعتش را از دست می‌دهد ماهی را پی‌درپی روی زمین می‌اندازد.

۲۴۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) هَلْ مَا حَيَّرْتُكَ مَشَاهِدَةُ عَيُونِ الْأَرْضِ؟: آیا از دیدن چشمه‌های زمین حیران نشدی؟
- ۲) لَمَّا نَنظُرُ إِلَى الشَّجَرَةِ الْبَاسِقَةِ نَقُولُ كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَيَّةٍ؟: وقتی به درخت بلند می‌نگریم می‌گوییم چگونه از دانه‌ای رویید؟
- ۳) تَتَرَيُّ الْأَشْجَارُ بِالْأَوْرَاقِ الْمُلَوَّنَةِ فِي الْخَرِيفِ: درختان با برگ‌های رنگارنگ در پاییز آراسته شدند.
- ۴) الْأَسْمَاكُ الَّتِي تَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمَجَاوِرَةِ: ماهیانی که بر زمین می‌افتادند متعلق به اقیانوس‌های مجاور نبودند.

۲۵۰. عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) نَذَكَرُ اللَّهَ كَثِيرًا لِأَنَّهُ يَذَكِّرُنَا: خدا را بسیار یاد می‌کنیم، زیرا ما را یاد می‌کند.
- ۲) يُرَخِّبُ شَعْبَ إِيرَانَ الصِّيُوفُ: ملت ایران به مهمان خوشامد می‌گوید.
- ۳) مَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنَ اللَّهِ وَ لَا أَيَّاسٌ مِنْهُ: امیدم از خدا قطع نشد و از او ناامید نمی‌شوم.
- ۴) لَا تُصَدِّقْ مَا تَسْمَعُ مِنَ الْكَاذِبِ: آنچه از دروغگو می‌شنوی باور نکن.

۲۵۱. عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) اِنْتَقَلْتُ هَذِهِ الْكِتَابَ مِنْ هَذِهِ الْحُجْرَةِ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ: این کتاب‌ها را از این اتاق به مکان دیگر انتقال داد.
- ۲) اِسْتَرَى وَالِدِي جَوَّالًا جَدِيدًا لِي: پدرم تلفن همراه جدیدی برایم خرید.
- ۳) تَقَطَّعِينَ الْحَسَبِ وَ تُرْسِلِيئَهُ لِلنَّجَّارِ: چوب را می‌بری و آن را برای نجار می‌فرستی.
- ۴) اِنِّي اَسْتَعْفُزُكَ فَتَوَّرَ قَلْبِي: به راستی که من از تو آمرزش طلب می‌کنم، پس قلبم را نورانی کن.

## الدّرس الثالث

## عَبَابُ الْمَخْلُوقَاتِ

### انتظارات آموزشی

آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:  
 • اسلوب شرط را در زبان عربی بشناسید و ارکان اصلی آن را تشخیص دهید و تأثیر ادوات شرط بر معنای جمله را بدانید.  
 • بتوانید «من» و «ما»ی شرط را در جمله‌ها تشخیص دهید.  
 یادگیری این موارد به شما یاری می‌دهد تا بتوانید یک متن عربی را به خوبی بفهمید و ترجمه کنید.

## واژگان و مفاهیم



### فعل‌ها

مثال	معنی مصدر	مضارع	ماضی
الطَّائِرُ الطَّائِنُ يُحْدِثُ طَنِيبًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ. = مرغ مگس، به دلیل سرعت حرکت بال‌هایش، صدایی به وجود می‌آورد.	پدید آوردن، به وجود آوردن	يُحْدِثُ	أَحْدَثَ
التَّمَسَّاحُ يَسْتَرِيحُ عَلَى السَّطَاحِ. = تمساح، کنار ساحل استراحت می‌کند.	آسودن، استراحت کردن	يَسْتَرِيحُ	اسْتَرَاخَ
يُعِجِبُنِي حَارِسُ المَرْمَى فَرِيْقُ السَّعَادَةِ. = دروازه‌بان تیم سعادت مرا شگفت زده می‌کند.	به شگفت آوردن	يُعِجِبُ	أَعَجَبَ
علينا أن نذهب قبل أن نتمتليء الملقعة من المتفرجين. = ما باید برویم، قبل از این که ورزشگاه از تماشاچیان پر شود.	پرشدن	يَمْتَلِئُ	امْتَلَأَ
أَتَذَكَّرُ ذَلِك. = آن را به یاد می‌آورم.	به یاد آوردن	يَتَذَكَّرُ	تَذَكَّرَ
الفريقان تعادلا. = دو گروه برابر شدند.	برابر شدن	يَتَعَادَلُ	تَعَادَلَ
تَفَكَّرُوا فِي الخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الخَالِقِ. = در آفرینش خدا بیندیشید و در مورد آفریننده نیندیشید. (حرف ت برای آسانی تلفظ حذف شده است.)	اندیشیدن	يَتَفَكَّرُ	تَفَكَّرَ
مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. = هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است.	توکل کردن	يَتَوَكَّلُ	تَوَكَّلَ
يَبْتِئُ اللَّهُ أَقْدَامَكُمْ. = خداوند گام‌هایتان را استوار می‌سازد.	استوار کردن	يَبْتِئُ	بَتَّ
تَحْرُقُ الرِّمَالُ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا. = شن‌ها پاهای کسی را که بر روی آن راه برود می‌سوزاند.	سوزاندن	يَحْرُقُ	حَرَقَ
الصَّيَّادُ يَصِيدُ طَيْرًا. = شکارچی پرندهای را شکار می‌کند.	شکار کردن	يَصِيدُ	صَادَ
و ما من دابة في الأرض و لا طائر يطير بجناحيه إلا أمم أمثالكم. = هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دوبالش پرواز کند، مگر آنکه گروه‌هایی مثل شما باشند.	پرواز کردن	يَطِيرُ	طَارَ
السمك الطائر يقفز من الماء بحركة من ذبله القوي. = ماهی پرند با یک حرکت دادن دم نیرومندش از آب بیرون می‌پرد.	پریدن	يَقْفِزُ	قَفَزَ
نَقَارُ الشَّجَبِ يَنْقُرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ. = دارکوب تنه درخت را با منقارش نوک می‌زند.	نوک زدن، کلیک کردن (معنی امروزی:)	يَنْقُرُ	نَقَرَ
أتدري لماذا؟ آیا می‌دانی چرا؟	دانستن	يَدْرِي	دَرَى
سَيُسَجَّلُ هدفًا. = گلی را ثبت خواهد کرد.	ثبت کردن	يُسَجَّلُ	سَجَّلَ

### اسم‌ها

مثال	فارسی	عربی
الطَّائِرُ الطَّائِنُ يَطِيرُ إِلَى الأَعْلَى وَ الأَسْفَلِ. = مرغ مگس به بالا و پایین می‌پرد.	پایین‌تر، پایین‌ترین	أَسْفَلَ
رَأَيْتُ حَيَوَانًا يَمْشِي عَلَى بطنِهِ. = حیوانی را دیدم که روی شکمش راه می‌رفت.	درون، شکم	بَطْنَ
مَا قِيلَ هَدَفْتُ قَرِيْقَنَا بِسَبَبِ تَسَلُّلِ. = گل تیم ما به دلیل آفساید پذیرفته نشد.	آفساید	تَسَلَّلُ
نَقَارُ الخَشَبِ يَنْقُرُ جِدْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ. = دارکوب تنه درخت را با منقارش نوک می‌زند.	تنه	جِدْعَ
طَائِرُ جَرَادَةَ فِي البستان. = ملخی در باغ پرواز کرد.	ملخ	جَرَادَةَ
الطَّائِرُ الطَّائِنُ يُحْدِثُ طَنِيبًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحَيْهِ. = مرغ مگس، به دلیل سرعت حرکت دوبالش، صدایی به وجود می‌آورد. جَنَاحَيْهِ = جناحین (دوبال) + ه	بال	جَنَاحَ
يُعِجِبُنِي حَارِسُ المَرْمَى لِفَرِيْقِ السَّعَادَةِ. = از دروازه‌بان تیم سعادت خوشم می‌آید.	دروازه‌بان	حَارِسَ المَرْمَى
الحَكَمُ مَا قَبِلَ الهَدَفَ. = داور گل را نپذیرفت.	داور	حَكَمَ
يُعَدُّ الحوتُ الأزرقُ أكبرَ الكائناتِ الحيةِ فِي العَالَمِ. = نهنگ آبی بزرگترین موجود زنده در جهان به شمار می‌رود.	نهنگ	حوت
تَضَعُ الحيةُ ذَنْبَهَا فِي الرَّمْلِ. = مار دُمش را در شن قرار می‌دهد.	مار	حَيَّةَ
السُّرْعَةُ لَا تَضُرُّ دِمَاحَ الطَّيْرِ الصَّغِيرِ. = سرعت به مغز کوچک پرند ضرر نمی‌رساند.	مغز	دِمَاحَ
دودة الأرض = کرم خاکی	کرم	دود، دودة

## مصدرها

مضارع	ماضی	معنی	مصدر
يَصْفُرُ	صَفَّرَ	سوت زدن	الصَّفِير
يَطِيرُ	طَارَ	پرواز کردن	الطَّيْر / الطَّيْرَان
يَقْدِرُ	قَدَرَ	توانستن	الْقُدْرَة
يَقْفِرُ	قَفَرَ	جهیدن	الْقَفْرَة
يَمُدُّ	مَدَّ	ادامه دادن	الْمَدَّ
يَنْقُرُ	نَقَرَ	نوک زدن	النَّقْر
يَقِفُ	وَقَفَ	توقف کردن	الْوُقُوف
يَهْرُبُ	هَرَبَ	فرار کردن	الْهَرُوب

مضارع	ماضی	معنی	مصدر
يَأْكُلُ	أَكَلَ	خوردن	الأَكْل
يَبْكِي	بَكَى	گریستن	البَّكَاء
يَحْرَقُ	حَرَقَ	سوزاندن	الحَرْقُ
يَحْضُدُ	حَضَدَ	درو کردن	الحِصَاد
يَحْضُلُ	حَضَلَ	به دست آوردن	الحُصُول
يَدُورُ	دَارَ	چرخیدن	الدَّوْرَان
يَدْرِي	دَرَى	دانستن	الِدْرَايَة
يَسْقُطُ	سَقَطَ	افتادن	السُّقُوط
يَصِيدُ	صَادَ	شکار کردن	الصَّيْد

## گزیده جملات مفهومی



هر کس قبل از سخن بیندیشد، از اشتباه درامان می ماند.	مَنْ يَفْكَرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا.
هر کس قبل از سخن اندیشید (بیندیشد)، اشتباهش کم شد (می شود).	مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطْوُهُ.
هر کس در خردسالی اش پرسید (پرسد) در بزرگسالی اش پاسخ گفت (می گوید).	مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.
اگر خوبی کردید (کنید) به خودتان خوبی کردید (می کنید).	إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ.
هر چه از خوبی انجام دهید، خدا آن را می داند.	وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ.
اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام هایتان را محکم می گرداند.	إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ.
آن چه از خوبی را برای خودتان از پیش بفرستید، آن را نزد خدا می یابید.	وَمَا تَقْدِمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ.
اگر خوبی بکاری، شادی درو می کنی.	إِنْ تَزْرَعْ خَيْرًا تَحْضُدْ سُورًا.
هر چه از کارهای نیک انجام دادی (دهی) آن را اندوخته ای برای آخرت بافتی (می یابی).	مَا فَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ وَجَدْتَهَا ذَخِيرَةً لَأَخْرَجْتِكَ.
اگر صبر کردی (کنی)، در زندگی ات به موفقیت دست یافتی (می یابی).	إِنْ صَبَرْتَ حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حَيَاتِكَ.
هر کس بسیار بکوشد به هدفش می رسد.	مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا يَصِلْ إِلَى هَدْفِهِ.
اگر پروای خدا را داشته باشید، برای شما نیروی تشخیص حق و باطل قرار می دهد.	إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا.
هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافوست.	مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.
در آفرینش بیندیشید و در مورد آفریننده بیندیشید.	تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ.
هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با بال هایش پرواز کند، مگر آنکه آن ها گروه هایی چون شمایند.	مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ.

## قواعد



## شناخت اسلوب شرط و ارکان آن



### ساختار شرطی چیست؟

ساختار شرطی در هر زبانی وجود دارد. این ساختار به طور کلی چنین است: کلمه شرط (ادوات شرط) + جمله شرط + جمله نتیجه شرط. معنی کلی ساختار شرطی این است که اتفاق افتادن جمله نتیجه شرط در گرو اتفاق افتادن جمله شرط است. کلمه شرط معمولاً یکی از این چند معنی را دارد: اگر، هر کس، هر چه ... جمله شرط و جمله نتیجه شرط هم هر کدام یک جمله کامل هستند.

### ارکان جمله شرطی:

در جمله شرطی در زبان عربی سه رکن اصلی وجود دارد: ادوات شرط، فعل شرط و جواب شرط معروف ترین ادوات شرط در زبان عربی عبارت اند از:

إِنْ (اگر)، مَنْ (هر کس)، مَا (هر چه)، ...

«إِذَا» به معنای «هر گاه، اگر» نیز معنای شرط دارد و در این صورت عموماً بر سر فعل ماضی می آید. در بین ادوات شرط «إِنْ» حرف و بقیه اسم هستند. هر کدام از این کلمه های شرط می توانند بر سر عبارتی بیایند که دو فعل (یا به عبارت بهتر دو جمله پشت سر هم) دارد. به فعل اول در عربی «فعل شرط» و به فعل دوم «جواب شرط» گفته می شود. فعل شرط و جواب شرط می توانند ماضی یا مضارع باشند.

(هر کس قبل از حرف زدن فکر کند غالباً از اشتباه در امان می ماند). در این جمله «مَنْ» ادوات شرط «يَفْكَرُ» فعل شرط، و «يَسْلَمْ» جواب شرط است. در این جمله فعل شرط و جواب شرط هر دو مضارع هستند.

مثال: مَنْ يَفْكَرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِبًا.

(اگر قبل از حرف زدن فکر کنی، اشتباهت کم می شود). در این جمله «إِنْ» ادوات شرط، «فَكَرْتَ» فعل شرط، و «قَلَّ» جواب شرط است. در این جمله فعل شرط و جواب شرط هر دو ماضی هستند.

مثال: إِنْ فَكَّرْتَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُكَ.



جواب شرط ممکن است یک جمله اسمیه باشد.

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ. (هر کس به خداوند توکل کند، خداوند او را کافی است.) در این جمله:

«مَنْ» ⇒ أدوات شرط / «يَتَوَكَّلْ» ⇒ فعل شرط / «هُوَ حَسْبُهُ» ⇒ جواب شرط

در این جمله فعل شرط مضارع و جواب شرط اسمیه، یک جمله است. اگر به این جمله دقت کنید متوجه می‌شوید که وقتی جواب شرط، یک جمله اسمیه باشد، بعد از حرف (ف) قرار می‌گیرد.

### تفخیم جملات شرطی (اسلوب شرط):

کافی است ابتدا یکی از چهار کلمهٔ اِنْ، مَنْ، مَا، إِذَا را پیدا کنید.

اگر بعد از هر یک از این کلمه‌ها دو جمله (یا دو فعل) وجود داشت، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم (یا جمله که بعد از فعل اول آمده است) جواب شرط است. اگر بعد از هر یک از چهار کلمه، فقط یک فعل یا یک جمله بود، آن جمله شرطی نیست.



گاهی در جمله، بعد از فعل شرط بیش از یک فعل می‌بینید. در این صورت به معنی جمله توجه کنید و دقت کنید که کدام فعل در جواب قسمت اول جمله می‌آید. به علاوه اگر فعلی بعد از حروف (و، ثُمَّ، أَوْ، أَمْ) به معنی: (و، سپس، یا، یا) بیاید نمی‌تواند جواب شرط باشد.

### تشخیص دمن، و مای شرط:

در درس قبل با «مَنْ» و «مَا» پرسشی (استفهام) به معنی «چه کسی» و «چه چیزی» آشنا شده‌اید و همچنین گاهی «مَنْ» و «مَا» را به معنی «کسی که»، «چیزی که» در جمله‌ها دیده‌اید و «مَا» ی نافیہ را نیز که موجب منفی شدن معنای فعل می‌شود، می‌شناسید بنابراین لازم است دقت کنید که آن‌ها را با «مَنْ» و «مَا» ی شرط اشتباه نگیرید. در واقع، باید توجه کنید که آیا بعد از «مَنْ» و «مَا» در جمله، فعل و جواب شرط وجود دارد؟ یعنی بلافاصله بعد از آن‌ها، یک فعل و در ادامهٔ جمله، یک فعل دیگر و یا یک جملهٔ اسمیه که در جواب قسمت اول جمله آمده است پیدا می‌کنید؟ در این صورت «مَنْ» و «مَا» از ادوات شرط هستند.

### آشنایی با الگوهای تستی قواعد

#### الگو اول: تشخیص فعل شرط و جواب شرط

روشی پاسنگی پی:

۱- ادوات شرط را در جمله تشخیص دهید. (اِنْ، مَنْ، مَا، إِذَا) و دقت کنید که «أَنَّ، إِنَّ و أُنَّ» را با «إِنَّ» اشتباه نگیرید زیرا این حروف معانی و کاربردهای دیگری دارند که بعداً می‌خوانیم. / ۲- برای تشخیص فعل شرط، کافی است فعلی را که بلافاصله بعد از ادوات شرط می‌آید، انتخاب کنید. / ۳- برای تشخیص جواب شرط، در ادامهٔ جمله یا یک فعل دیگر پیدا کنید (دقت کنید که بعد از «و، ثُمَّ، أَوْ، أَمْ» نباشد) و یا حرف «ف» پیدا کنید. در این صورت جملهٔ بعد از «ف» جواب شرط است. / ۴- اگر فعل یا جواب شرط، مضارع باشد ظاهر آن در انتهای فعل مانند فعلهای امر تغییر می‌کند.

مثال: **إِنْ تَزْرَعْ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدْ فِي الآخِرَةِ = إِنْ تَزْرَعُوا فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُوا فِي الآخِرَةِ** ⇒ به ساکن شدن حروف آخر و یا حذف نون از آخر فعل‌ها توجه کنید.

مثال: عَيْنُ الخَطَا عَنْ الكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ فِي الجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ يَتَّقِ اللَّهَ فَهُوَ حَسْبُهُ.»

۱) مَنْ: اسم من ادوات الشرط

۲) يَتَوَكَّلْ: الفعل المضارع الثلاثي المزيد

۳) يَتَّقِ: الفعل المضارع، جواب الشرط

۴) حَسْبُهُ: خبر

پاسخ: «مَنْ» در این جمله از ادوات شرط است زیرا بلافاصله پس از آن فعل شرط (يتوكل) و ادامهٔ جمله نیز جواب شرط وجود دارد. ولی جواب شرط در این عبارت، جملهٔ اسمیه‌ای است که بعد از «ف» واقع شده (در این جمله «هو» مبتدا / «حسب» خبر ه / مضاف‌الیه است). فعل «يتق» بعد از حرف «و» آمده و نمی‌تواند جواب شرط باشد (هر کس به خداوند توکل کند و تقوای خدا را پیشه کند، خداوند او را (برای او) کافی است.)، پس گزینه سوم پاسخ است.

#### الگو دوم: تشخیص «مَنْ» و «مَا» ی شرط

روشی پاسنگی پی:

۱- بعد از «مَنْ» یا «مَا» باید یک فعل داشته باشید در غیر این صورت ادوات شرط نیستند. / ۲- در ادامهٔ جمله، وجود یک فعل دیگر و یا یک جمله بعد از «ف» ضروری است. / ۳- توجه به معنی جمله ضروری است. (توجه کنید که گاهی به خصوص زمانی که فعل و جواب شرط ماضی باشد در ظاهر جمله به نظر می‌رسد که جمله دارای اسلوب شرط است ولی اگر به معنای آن دقت کنید چنین نیست.)

مثال: **مَنْ دَخَلَ فِي بَيْتِي أَمْسَ كَأَنْ صَدِيقِي =** کسی که دیروز وارد خانه‌ام شد دوستم بود.

مثال: عَيْنُ «مَنْ» لَيْسَتْ مِنْ أَدْوَاتِ الشَّرْطِ:

۱) مَنْ يُسَجِّلُ هدفاً يَذْهَبُ إِلَى التَّهَائِي

۲) مَنْ يَذْهَبُ إِلَى التَّهَائِي مرّةً ثانية

۳) مَنْ يَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ يُشَاهِدُ قُدْرَةَ اللَّهِ

۴) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطْوُهُ

پاسخ: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، «مَنْ» از ادوات شرط نباشد. می‌دانیم «مَنْ» وقتی از ادوات شرط است که بعد از آن یک فعل و یک جواب بیاید و جمله بتواند معنی شرطی داشته باشد. این شرایط فقط در گزینه ۲ وجود ندارد. «مَنْ» در این جمله اسم پرسشی است. معنی گزینه: «چه کسی برای بار دوم به فینال می‌رود؟» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: «هرکس گل بزند، به فینال می‌رود.» در این گزینه، «مَنْ» از ادوات شرط، يُسَجِّلُ فعل شرط و يَذْهَبُ جواب شرط است. گزینه ۳: «هرکس در آفرینش خداوند تفکر کند، قدرت خداوند را می‌بیند.» در این گزینه، «مَنْ» از ادوات شرط، يَتَفَكَّرُ فعل شرط و يُشَاهِدُ جواب شرط است. گزینه ۴: «هرکس قبل از حرف زدن فکر کرد (فکر کند)، خطایش کم شد (کم می‌شود).» در این گزینه، «مَنْ» از ادوات شرط، فَكَّرَ فعل شرط و قَلَّ جواب شرط است. پس گزینه دوم پاسخ است.

## ترجمه

قرار گرفتن «إن»، «مَنْ»، «ما» بر سر جمله عربی موجب تغییراتی در معنای جمله می شود. این کلمات را ادوات شرط می نامیم. ادوات شرط معمولاً بر سر جمله های می آیند که دو فعل دارد. به فعل اول «فعل شرط» و به فعل دوم «جواب شرط» گفته می شود.

در این صورت به موارد زیر در ترجمه جمله توجه کنید:  
معنای این کلمات را بدانید:

مَنْ = هر کس	مَا = هر چه	إِنْ = اگر
--------------	-------------	------------

اگر فعل و جواب شرط مضارع باشد، فعل اول معادل مضارع التزامی و فعل دوم معادل مضارع اخباری یا آینده ترجمه می شود.  
اگر فعل های پس از ادوات شرط ماضی باشند هم می توانید فعل شرط را مضارع التزامی و جواب شرط را مضارع اخباری ترجمه کنید. (البته ترجمه این فعل ها به صورت ماضی هم جایز است.

مَنْ حَاوَلَ كَثِيرًا، وَصَلَ إِلَى هَدَفِهِ. ⇨ هر کس بسیار تلاش کند به هدفش می رسد.

کلمه «إِذَا» به معنی «هر گاه، اگر» نیز مانند موارد فوق معنای شرط دارد و به همین صورت ترجمه می شود.

مثال: إِذَا حَاوَلْتَ كَثِيرًا، وَصَلْتَ إِلَى هَدَفِكَ. ⇨ هر گاه (اگر) بسیار تلاش کنی به هدفت می رسی.

## تمرین تستی

### واژگان و مفاهیم

#### ۸۴۴. عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا الْمُرَادِفُ وَالْمُتَضَادُّ مَعًا:

- ۱ لا أسخط الشيطان بمثل الصمت ولا عوقب الأحمق بمثل الشكوت عنه. ۲ الغداة نهاية النهار و بداية ظلام الليل.  
۳ إن تزرع خيراً تحصد سُوراً. ۴ تضع الحية ذنبها في الرمل و تقف ثم يجلس طيرٌ على ذنبها.

#### ۸۴۵. عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّرَادُفِ وَ التَّضَادِّ:

- ۱ يدري: يعلم/ انطلاق ≠ توقف ۲ اليسار ≠ اليمين/ اليسار: الشمال  
۳ خَلْفٌ: وِراء/ خَلْفٌ ≠ إمام ۴ يَصْرُفُ ≠ يَنْفَعُ / أذيان: أذنان

#### ۸۴۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْجَمْعِ:

- ۱ دودة: ديدان/ حية: حيات ۲ زعنفة: زعانيف/ فم: أفواه  
۳ جَذَعٌ: جُدوع/ سنن: سنين ۴ سَنَةٌ: أسنان/ عين: عيون

#### ۸۴۷. عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا إِسْمُ الْجَمْعِ أَكْثَرُ:

- ۱ يُقَدَّرُ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمَلَايِينِ.  
۲ له طريقة غريبة في تنظيف أسنانه و تقرب بقايا الطعام.  
۳ عندما تحرق الزمالة أقدام من يسير عليها تضع ذنبها في الرمل.  
۴ من غلبت شهوته عقله فهو شرٌ من البهائم.

#### ۸۴۸. عَيْنُ الْخَطَأِ فِيمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

- ۱ لهذه الشجرة بذوٌ تحتوي على مقدار زيوتٍ. مترادفه: «حَبٌّ»  
۲ يستخدم المزارع الأشجار. مفرده «زارع» و مترادفه «الفلاح»  
۳ قبرٌ كوروش يجذب سائحاً من دُولِ الْعَالَمِ مفرده «سائح». مفرده «دولة»

#### ۸۴۹. عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱ و ما تقدّموا لأنفسكم تجدوه عند الله: تقديم کنید  
۲ تَمَدَّدَ زعانفه الكبيرة: بالها  
۳ يُعَدُّ الْحَوْتِ الْأَزْرَقُ أَكْبَرَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ: زنده  
۴ يُحْدِثُ طينياً بسبب سرعة حركة جناحيه: اتفاق می افتد

#### ۸۵۰. عَيْنُ الْخَطَأِ حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ:

- ۱ الزقزاق: طائرٌ يُساعد التمساح في تنظيف أسنانه.  
۲ المظلة: أداة لحفظ الإنسان أمام أشعة الشمس أو نزول المطر و الثلج.  
۳ الطائر الطنان: أصغر طائر يحدث طينياً بسبب سرعة حركة جناحيه.  
۴ الحُكْمُ: هو الذي يحكم في مباراة كرة القدم فقط.

#### ۸۵۱. عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا الْمُتَضَادُّ أَكْثَرُ:

- ۱ يُرْسِدُ الْآبَاءُ أَوْلَادَهُمْ بِالتَّقَرُّبِ إِلَى الْفَضَائِلِ وَ الْإِبْتِعَادِ عَنِ الرِّذَائِلِ.  
۲ الغداة بداية النهار و نهاية ظلام الليل.  
۳ يطيرُ إِلَى الْأَعْلَى وَ الْأَسْفَلِ، إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الشَّمَالِ وَ إِلَى الْأَمَامِ وَ إِلَى الْخَلْفِ.  
۴ شيم به روى تو روزست و دیدهام به تو روشن / و إن هجرت سواءً عشيتي و غداتي.

#### ۸۵۲. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرَادُفِ وَ التَّضَادِّ:

- ۱ جناح: زعنفة/ يسار ≠ يمين ۲ الفلاة: الصحراء/ سكتت ≠ تكلمت  
۳ اليسار: الشمال/ العداة ≠ العشيّة ۴ الدّنب: الإنم / ابتداءً ≠ انتهى

#### ۸۵۳. اِنْتِخَبِ الصَّحِيحَ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاغِ:

- ۱ هذا الطائرُ ..... طناناً لأنه يحدث طينياً بسبب حركة جناحيه: سَمَى  
۲ من جرّبت ..... خلّت به التّدامة: الْمُجَرَّبِ  
۳ هو ..... طائرٌ على الأرض: صَغِيرٌ  
۴ من يُفكّر قبل الكلام ..... من الخطأ: يَسَلِّمُ

#### ۸۵۴. عَيْنُ الْخَطَأِ فِيمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ:

- ۱ يَخْتَلِفُ الشَّعْرُ حَسَبَ التَّوَعِيَّاتِ. جمعه: «أسعار» / مترادفه: «قيمة»  
۲ علينا أن لا نرفع أصواتنا فوق صوت من نتكلم معه: مفرده: «صوت» / متضاده: «خلف»  
۳ ذلك متجرٌ زميلي له سراويل أفضل. مترادفه: «دكان» / مفرده: «سروال»  
۴ السّوار العتيق. جمعه: «أساور» / متضاده: «بديع»



۸۷۰. عین العبارة التي لا تناسب مع العبارة التي أمامها:

- ۱) إن صبرت حصلت على النجاح في حياتك: گر صبر کنی / ز غوره حلوا سازی
  - ۲) ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا: لا يكلف الله نفساً إلا وسعها
  - ۳) حسبي الله و نعم الوكيل: تكيه بر خنجر و سپاه مكن / جز به ايزد به كس پناه مكن
  - ۴) فمن عفا و أصلح فأجره على الله: خدا را بر آن بنده بخشايش است / كه خلق از زبانش در آسايش است
۸۷۱. عین عبارة تدل على منزلة التعليم.

- ۱) ما فعلوا من خير يعلمه الله. ۲) اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد. ۳) الكتب بساتين العلماء. ۴) من علمني علماً فقد صيرني عبداً.

۸۷۲. هل تشعرُ جدتكُ بألمٍ في رأسها و تأكل أدويتها؟ عین الجواب غير المناسب.

- ۱) لا، لا أشعرُ بألمٍ و لا أكلها.
- ۲) لا، لا تشعرُ بألمٍ ولكن تأكل الأدوية.
- ۳) نعم، أفكرُ أنّ في رأسها ألمٍ و عليها أن تأكلها.
- ۴) نعم، تشعرُ بألمٍ و تأكل الأدوية.

أجب عن الأسئلة حسب هذه العبارة:



«يعيش نوعٌ من الحيات في الفلاة، في منتصف النهار عندما ..... ۸۷۳ ..... الرمال أقدم من ..... ۸۷۴ ..... عليها ..... ۸۷۵ ..... ذئبها في الرمل لصيد الحيوانات فإذا وقف طيرٌ عليها تصيده.»

۸۷۳. عین الصحيح لتكميل الفراغ:

- ۱) تُشاهدُ ۲) تقدفُ ۳) تنقرُ ۴) تحرقُ

۸۷۴. عین ما لا يناسب لتكميل الفراغ؟

- ۱) تسيّرُ ۲) تمشي ۳) يقدمُ ۴) يذهبُ

۸۷۵. انتخب الصحيح:

- ۱) تقفُ ۲) تدري ۳) تدفعُ ۴) تصعُ

## درك مطلب

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة:



«مَنْ يَتَفَكَّرْ فِي خَلْقِ اللَّهِ، يُشَاهِدْ قُدْرَةَ اللَّهِ؛ لِأَنَّ عَجَائِبَ كَثِيرَةً وَجَدَتْ فِي الْمَخْلُوقَاتِ. إِنَّ مُشَاهَدَةَ هَذِهِ الْمَخْلُوقَاتِ وَالتَّفَكُّرَ فِيهَا مِنَ الْمَوَاعِظِ الْقُرْآنِيَّةِ. نَقَرْنَا فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ آيَاتٍ كَثِيرَةً تَشَابَهَ هَذَا الْمَضْمُونُ: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خَلَقَتْ» وَلَكِنْ عَلَيْنَا أَنْ نَتَفَكَّرَ فِي الْخَلْقِ وَ لَا فِي الْخَالِقِ. لِأَنَّ الْإِنْسَانَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَفَكَّرَ فِي اللَّهِ وَ هُوَ قَادِرٌ أَنْ يَعْرِفَهُ عَبْرَ مُشَاهَدَةِ آيَاتِهِ فَقَط.»

۸۷۶. عین الصحيح حسب النص:

- ۱) أحد طرق معرفة الله معرفة مخلوقاته.
- ۲) إنما نستطيع أن نتفكر بمشاهدة قدرة الله.
- ۳) إن لم نتطروا إلى الإبل لا نقدروا على التفكر.
- ۴) ما وجدنا عجائب كثيرة في العالم.

۸۷۷. عین ما لا يناسب عن التفكير:

- ۱) تُشاهدُ قدرة الله في الطبيعة بالتفكر فيها.
- ۲) الموعظ القرآني تدعونا إلى التفكر.
- ۳) الإنسان لا يقدر على التفكير في مخلوقات الله.
- ۴) نجد في القرآن كثيراً من الآيات حول التفكير.

۸۷۸. عین الخطأ:

- ۱) مخلوقات الله في الطبيعة آية من آيات الله.
- ۲) التفكر في الخالق يرشدنا إلى معرفة المخلوق.
- ۳) الموجودات كلها تُعزفنا قدرة الله في الخلق.
- ۴) القرآن يعظنا أن نتفكر في مخلوقات الله.

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة:



«عنكبوت الماء من أعجب الكائنات الحية في عملية تنفسه! فهو لا يستطيع تنفس الأوكسجين المذاب في الماء كما تفعل الأسماك، فيقوم بصنع مكان كروي من المواد التي تبني بها العنكبوت بيتها، حيث لا ينفذ منه الماء. ثم يبيته بين الأغصان المائية بمهارة و سرعة، بعد ذلك يصعد إلى السطح حتى يحيل حبابات الهواء هابطاً بها بسرعة، فيضعها في شبكته، وهكذا تتكرر العملية مئات المرات حتى يمتلئ بيته بالهواء، فيدخل فيه بطريقة عجيبة و سرعة فائقة. ثم يعلق البيت عليه و يعيش بالهدوء و الراحة إلى أن ينتهي الأوكسجين فتتكرر العملية ثانية!»

۸۷۹. عین الصحيح:

- ۱) العنكبوت تبني بيوتها بمساعدة بعضها بعضاً!
- ۲) هذا النوع من العنكبوت لا يقدر أن يعيش دائماً خارج الماء!
- ۳) المواد التي تستعملها هذه العنكبوت لبناء البيت تختلف بعضها عن بعض! ۴) لا تقدر الأسماك - مثل العنكبوت - أن تنفس الأوكسجين المذاب في الماء!

۸۸۰. ما هي فائدة حبابات الهواء؟

- ۱) بها تنزل العنكبوت إلى بيته. ۲) بها يصعد العنكبوت إلى السطح. ۳) فيها الأوكسجين المذاب. ۴) فيها ما يساعد العنكبوت على التنفس.

۸۸۱. لماذا يجب على العنكبوت أن يهبط بسرعة بعد مجيئه إلى سطح الماء؟

- ۱) لفقدان الهواء على سطح الماء! ۲) حتى لا يموت! ۳) حتى لا يزول حباب الهواء! ۴) لبناء بيته بسرعة!

۸۸۲. لماذا يجب على العنكبوت أن يبني بيته بصورة لا ينفذ منه الماء؟

- ۱) لأنه حينئذ لا يقدر أن يتنفس! ۲) حتى لا يجبر أن يكرّر بناء بيته ثانية! ۳) لأن الماء يهدم بيته و يقلعه! ۴) حتى لا يدخل فيه الهواء المناسب للتنفس!



٨٨٣. أيُّ عبارةٍ تشتملُ على أَسلوبِ الشَّرطِ؟

- ١ ما قَسَمَ اللهُ للعبيادِ شيئاً أفضلَ من العَقْلِ.
- ٢ المُعَلَّقُ هُوَ ما ليسَ مفتوحاً بل مسدوداً.

٨٨٤. عَيِّنِ العبارةَ الَّتِي ليستَ شَرْطِيَّةً:

- ١ وجدتُ رائحةَ الوُودِ إِذْ سَمَمْتُ رُفَاتِي.
- ٢ ما رَأَيْنا في هذهِ الحِياةِ حُبّاً يَلا مَلامَةَ.

٨٨٥. عَيِّنِ العبارةَ الَّتِي يُمكنُ أَنْ يوجَدَ فيها معنى المضارعِ:

- ١ لم تَنجِحْ لَأَنَّها لَمْ تَنظُرْ في عواقبِ عملِها.
- ٢ تَزَيَّنَ هذا العالِمُ بِالاخلاقِ الحَسَنَةِ.

٨٨٦. عَيِّنِ جوابَ الشرطِ جُملةً اسميَّةً:

- ١ من رَأَى منكمُ أحداً يدعو إلى التفرقةِ فهو عميلُ العدوِّ.
- ٢ من قرأ القرآنَ فاستمعوا له وأنصتوا.

٨٨٧. عَيِّنِ جوابَ الشرطِ جُملةً اسميَّةً:

- ١ إِذا قَدَّرتُ على عدوِّكَ فأجعلِ العفوَ عنه شكراً للقدرةِ عليه.
- ٢ إِذْ تَدخُلُ بَيْتَكَ فَسَلِّمْ على أَهْلِكَ.

٨٨٨. عَيِّنِ الصَّحيحَ في الأفعالِ في هذهِ العبارةِ على الترتيبِ: «إِنْ تَنصَرُوا اللهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

- ١ المضارعُ الثلاثيُّ المزيدُ - جوابُ الشرطِ - الفعلُ المزيدُ الثلاثيُّ
- ٢ فعلُ الشرطِ - جوابُ الشرطِ - الفعلُ المزيدُ الثلاثيُّ
- ٣ فعلُ الشرطِ - الفعلُ المضارعُ المُجرَّدُ الثلاثيُّ - جوابُ الشرطِ

٨٨٩. في أيِّ عبارةٍ يَخْتلِفُ جوابُ الشرطِ عن الباقي:

- ١ إِذا وَقَفْتُ طيْرٌ على ذَنبِ الحَيَّةِ تصيدُهُ.
- ٢ إِذا مَلَكَ الأَرادُلُ هَلَكَ الأَفاضِلُ.

٨٩٠. عَيِّنِ الخَطَأَ في الكلماتِ المُعَيَّنَةِ على الترتيبِ: «إِذا أَصابها شَيْءٌ قاطِعٌ وَ قَسَمَها إلى نَصْفَيْنِ فَإِنَّ هَذَيْنِ النَصْفَيْنِ سينموان»

- ١ فعلُ الشرطِ - الصفةُ - الاسمُ للإشارةِ
- ٢ الفعلُ الماضي - المضافُ إليه - اسمُ الإشارةِ للمثنى
- ٣ فعلُ الشرطِ - المرفوعُ - اسمُ الإشارةِ (الجُملةُ الاسميَّةُ هي جوابُ الشرطِ)

٨٩١. عَيِّنِ الخَطَأَ في جوابِ الشرطِ:

- ١ من اجتنَبَ عن الذنوبِ فهو فائزٌ في الحِياةِ.
- ٢ من سائرَ عيبِكَ هو عدوُّكَ

٨٩٢. عَيِّنِ فِعْلَ الشَّرطِ وجوابَهُ على الترتيبِ: «إِنَّ رَأَيْتَ هذا الرَّجُلَ العالِمَ وَ عَرَفْتَهُ تَعَلَّمْ أَنَّهُ عالِمٌ يُجِيبُهُ النَّاسُ»

- ١ رَأَيْتَ - تَعَلَّمْ
- ٢ رَأَيْتَ - عَرَفْت
- ٣ عَرَفْت - يُجِيبُ
- ٤ رَأَيْتَ - أَنَّهُ عالِمٌ (جُملةُ اسميَّة)

٨٩٣. عَيِّنِ كلمةَ «ما» تَخْتلِفُ عن الباقي:

- ١ يَما يَطيرُ السَّنجاِبُ حينَ يَقفَرُ من شَجرةٍ إلى شَجرةٍ.
- ٢ ما نَفَعوا مِن خَيْرٍ يَعلَمُهُ اللهُ.

٨٩٤. عَيِّنِ «مَنْ» ليستَ شَرْطِيَّةً:

- ١ من جَرَّبَ المُجَرَّبَ حَلَّتْ به النَّدامَةُ.
- ٢ من يُحاوِلُ كَثيراً يَصِلُ إلى أَهدافِهِ.

٨٩٥. عَيِّنِ «مَنْ» الشَّرطِيَّةً:

- ١ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عن سَبيلِهِ.
- ٢ خَيْرُ إِخوانِكُمْ مَنْ أَهدى إِليكم عيوبِكُمْ.

٨٩٦. عَيِّنِ «ما» الشَّرطِيَّةً:

- ١ لِمَ تَقولونَ ما لا تَفعَلونَ.
- ٢ ما تَسألُ تَجِدُ.

٨٩٧. عَيِّنِ عبارةً تَخْتلِفُ عن الباقي:

- ١ ما هُوَ سَببٌ تَشكيلِ ظاهِرَةِ مَطَرِ السَّمَكِ.
- ٢ ما المَقصودُ مِنَ المرافِقِ العائِقَةِ.

٨٩٨. عَيِّنِ «مَنْ» يَخْتلِفُ عن المَحَلِّ الإِعرابيِّ:

- ١ أَنظِرْ إلى ما قالَ وَ لا تَنظِرْ إلى مَنْ قالَ.
- ٢ مَنْ ذا الَّذي أوجَدَ اللَّيْلَ في الطَّبِيعَةِ.

٢ إِذْ شكوتُ إلى الطَّيْرِ حَنا في الوُكُناتِ.

٣ إِني أَعْلَمُ ما لا تَعلمونَ.

٢ إِذا قَتَحَ البابُ طارَ الطَّائِرُ.

٣ مَنْ اجْتَهَدَ في حِياتِهِ نَجَحَ.

٢ مَنْ اجْتَهَدَ في مَعايشِ أَهلِهِ دَخَلَ في رِضوانِ اللهُ.

٣ التَّسَاءُ ما قَصَّرَ في مُساعِدَةِ المَساكينِ.

٢ إِذا قالَ أَحَدٌ كلاماً غيرَ منطقيٍّ فَاعلموا أَنَّهُ جاهِلٌ.

٣ مَنْ ساءَ حُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ.

٢ مَنْ جاءَ بالحِسنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمانِها.

٣ ما فَعَلتُ مِنَ الخِبراتِ وَجَدتُها ذَخيراً لِأخِرَتِكَ.

٢ فعلُ الشرطِ - جوابُ الشرطِ - الفعلُ المزيدُ الثلاثيُّ

- ٢ فعلُ الشرطِ - جوابُ الشرطِ - الفعلُ المزيدُ الثلاثيُّ
- ٣ فعلُ الشرطِ - المرفوعُ - اسمُ الإشارةِ (الجُملةُ الاسميَّةُ هي جوابُ الشرطِ)

٢ إِذا وَقَعَ نَظَرُ الدَّلافينِ على سَمكةِ القَرشِ تَتَجَمَّعُ حَولَها.

٣ إِذا سَأَلتُ عبادي عَنِّي فَإِني قَريبٌ.

٢ الفعلُ الماضي - المضافُ إليه - اسمُ الإشارةِ للمثنى

- ٢ الفعلُ الماضي - المضافُ إليه - اسمُ الإشارةِ للمثنى
- ٣ الفعلُ المزيدُ الثلاثيُّ - المعربُ - اسمُ الإشارةِ للمذكر

٢ مَنْ بَرَزَ العَدوانَ فَهُوَ خاسِرٌ في الأخرَةِ.

٣ مَنْ يَتَجَنَّبِ الشَّرَّ فَهُوَ خَيْرٌ لَه.

٢ مَنْ بَرَزَ العَدوانَ فَهُوَ خاسِرٌ في الأخرَةِ.

- ٢ مَنْ بَرَزَ العَدوانَ فَهُوَ خاسِرٌ في الأخرَةِ.
- ٣ مَنْ يَتَجَنَّبِ الشَّرَّ فَهُوَ خَيْرٌ لَه.

٢ ما هُوَ أَصغرُ طائرٍ على الأَرْضِ.

٣ ما سَأَلَ الطِّفْلُ أَمامَهُ في الضِيافَةِ.

٢ في مَنصَبِ التَّهارةِ تَحرقُ الرِّمالُ أَقدامَ مَنْ يَسيرُ عليها مِن شِدَّةِ الحَرِّ.

٣ مَنْ يَتَوَكَّلُ على اللهُ فَهُوَ حَسبُهُ.

٢ مَنْ عَصَبَ عَليكَ فلم يُقَلِّ فيكَ شَرّاً فَاتَّخِذْهُ صَديقاً.

٣ شَبَّهَ اللهُ كَلامَ مَنْ يَرَفَعُ صَوتَهُ دونَ دَليْلِ منطقيٍّ بِصَوتِ الحِمارِ.

٢ ما مِن دابَّةٍ في الأَرْضِ وَ لا طائرٍ يَطيرُ بِجناحيهِ إِلا أَمَمَ أَمانِلكمِ.

٣ أَحَبُّوا أَصداقَكم بما شَاهدتُم في الرِّيفِ.

٢ ما هُوَ مَسؤولُ تَنظيفِ العُرْفِ.

٣ ما تَزَرَعُ في الدُّنيا تَحصُدُ في الأخرَةِ.

٢ لِمَنْ تُشترِي هذهَ الأَدويةَ؟

٣ لا أَعتمِدُ على مَنْ يَكذِبُ كَثيراً.



۸۹۹. عین الخطأ في كلمة «من»:

- ۱ بین من مَبارة كرة القدم؛ من أدوات الشرط مضافاً إليه
- ۲ الطالبُ المسؤولُ هي التي تنصَح من يرمي الثَّغاياتِ في غير مكانها بكلامٍ طَيِّبٍ: المفعول - المبتدئ
- ۳ من طلبَ العلمَ في الضَّغْرِ وَصَلَ إلى التَّجاحِ في الكبر: من أدوات الشرط - المبتدأ
- ۴ إنَّ اللهَ يُحِبُّ من يُحافظُ على الصَّلَاةِ في وقتها؛ ليس من أدوات الشرط - المفعول

(سراسری ۸۵ با تغییر در صورت سوال)

۹۰۰. عین ما فيه أداة الشرط:
- ۱ منْ أجاب عن هذا السؤال. ۲ لا تُعاشِر منْ يرى السيئات ولا ينكرها. ۳ من عمل صالحاً جزاه الله خيراً. ۴ يُساعدنا من يرانا في هذه الحالة.

(سراسری ریاضی ۸۳ با تغییر)

۹۰۱. عین العبارة التي يُمكن أن يكون لها معنى المضارع:

- ۱ تَزَيَّن الطالب بالاخلاق الحسنة.
- ۲ لم يُشاهد الإنسان نتيجة ظلم الجبابرة!
- ۳ إنْ قرأت الدروس بدقة انتفعت بها!
- ۴ لم تَنجَح التي لم تنظر في عواقب عملها.

۹۰۲. عین الجملة الشرطية:

- ۱ ما نوع الحيوان الذي تَشَقُّ أسنانه دائماً.
- ۲ ما شاهدتُ أرفع من شأن العلماء عند الله.
- ۳ ما تكتبوا في دفتركم من المسائل العلمية فهو مفيد لكم.
- ۴ ما نطلب منكم هو تسليهمهم.

۹۰۳. عین «من» يختلف عن الباقي:

- ۱ من يكن في طاعة الله يُقر.
- ۲ من لا يَقْصِر في أداء واجباته يَنجَح.
- ۳ من طَرَق الباب يفتح له من خَلَف الباب.
- ۴ من شاهدَ ظاهرة مطر السَّمك في السماء تَعَجَّب كثيراً.

۹۰۴. عین «ما» الشرطية:

- ۱ ما استطاع العدو أن يُحقِّق أهدافه.
- ۲ ما يمدح إنساناً بغير ما فيه فلا تنتظر منه خيراً.
- ۳ ما رأيت هناك.
- ۴ ما تسأل من العلوم تَزِدْ معلوماتك.

۹۰۵. عین الخطأ في جواب الشرط:

- ۱ فَمَنْ يعمل من الصالحات وهو مؤمنٌ فلا كفرانَ لسعيه؛ هو مؤمن
- ۲ مَنْ يعملُ سوءاً أو يظلم نفسه ثمَّ يستغفر الله يجد الله غفوراً رحيماً؛ يجد
- ۳ مَنْ يواصل أعماله الحسنة ولا يحزُن من أقوال الآخرين يُعْطيه الله أجره؛ يعط
- ۴ إن يقع الشك في قلبك فدافع عن نفسك؛ جملة دافع ...

۹۰۶. عین الصحيح في التوضيحات: من كَسَرَ إنساناً أو اسْتَهْزَأَ أو عابَ ما فيه مثله فعلية جبرائته.

- ۱ من: اسم الاستفهام / إنساناً؛ مفعول
- ۲ كَسَرَ: فعل الشرط / عاب: جواب الشرط
- ۳ من: اسم الاستفهام / استهزىء: جواب الشرط
- ۴ ما: مفعول / فعليه جبرانه: جواب الشرط

۹۰۷. عین المناسب لتكميل الفراغات: «..... زرعتم السيئة حصدتم الشر و ..... ينس الله في أموره لا يتقدم فيها و ..... تطلب من الله تجده حتماً»

- ۱ من، من، ما ۲ إن، من، ما ۳ إذا، ما، من ۴ أن، ما، من

۹۰۸. عین عبارة «ما» يختلف عن الباقي:

- ۱ ما تُشاهد في هذه الحياة فهو مخلوق الله.
- ۲ ما أُظنَّ أن صديقي تدكّرني بعد سنوات.
- ۳ قل: ما تخفوا في صدوركم أو تُبدوه يعلمه الله.
- ۴ ما تصنع من خير تجد ثوابه.

۹۰۹. عین «من» ليس الشرطية:

- ۱ من يكذب دائماً ولا يصدق من يجالسه فلا تقرب منه.
- ۲ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثقال ذرة خيراً يره.
- ۳ من يطع الله ورسوله يُدخله جَنَّاتٍ تجري من تحتها الأنهارُ.
- ۴ من يهدب نفسه ينتفع بالعقل.

ترجمه

یادآوری مراحل پاسخگویی به سؤالهای ترجمه را به یاد داشته باشید:

۱- یافتن موارد کلیدی / ۲- ردّ گزینه‌ها براساس موارد کلیدی (حداقل ۲ گزینه) / ۳- مقایسه گزینه‌های باقی‌مانده با صورت سؤال

ترجمه‌ها تک عبارتی:

عین الأضح و الأذق و الأذق في الترحمة للأسئلة التالية:

۹۱۰. «إن تناولت طعامك تفدّر أن تسريح على الشاطيء.»

- ۱ اگر غذا می‌خوردی می‌توانستی در این ساحل استراحت کنی.
- ۲ چنانچه غذايش را بخورد می‌تواند به ساحل روانه بشود.
- ۳ اگر غذایت را بخوری می‌توانی در ساحل استراحت کنی.
- ۴ هر گاه بتوانی غذایت را بخوری در ساحل آرامش می‌یابی.

۹۱۱. «إن هذين التصفين ينموان ليكون كل واحد منهما دودة كاملة.»

- ۱ همانا این‌ها دو نیمه‌اند که رشد می‌کنند و هر یک کرم کاملی می‌شود.
- ۲ این دو نیمه رشد می‌کنند تا هر یک از آن‌ها کرم کاملی باشد.
- ۳ این دو نیمه رشد می‌کنند تا هر یک کاملاً کرم دیگری شوند.
- ۴ این‌ها دو نیمه‌اند که رشد کرده تا هر یک کرم کاملی شوند.

۹۲۴. **أَلَّفَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ أَكْثَرَ مِنْ مِائَتِي كِتَابٍ وَ لِهَذِهِ الْكُتُبِ آرَاءَ بَدِيعَةٍ فِي مِیَادِنِ الْعِلْمِ وَ الْفُنُونِ كَانَ يُطَرِّحُ بَعْضُهَا لِأَوَّلِ مَرَّةٍ.**
- ۱ امسال بیش از دویست کتاب نگاشته شد و این کتابها دارای نظریات جدیدی در زمینه‌های دانش‌ها و هنرهاست بعضی از آنها برای اولین بار مطرح می‌شد.
  - ۲ در این سال بالغ بر یکصد کتاب نوشته شد و این کتابها در مورد علم و هنر نظریات جدیدی دارند که بعضی‌شان برای بار اول مطرح می‌گردید.
  - ۳ بالغ بر دویست کتاب امسال نوشته شد و همه کتابها دارای نظریات شگفتی در زمینه‌های علوم و هنرها دارند و برخی از آنها یک بار مطرح شده بودند.
  - ۴ در این سالها بیش از دویست کتاب نوشتند و برای کتابها نظریاتی در زمینه دانش‌ها و هنرهاست و برخی از آنها برای اولین بار مطرح می‌شد.

۹۲۵. **خَدَّتْ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ زَلْزَالٌ وَ هَدَّمتْ بِيوْتِ النَّاسِ وَ أَسَوَّاهُمْ ثُمَّ صَنَعَ الْأَهَالِي بِيوْتًا مِّنْ جَدِيدٍ أَوْ صَلَّحُوا الْبِيوْتِ الْمَخْرَبَةَ.**
- ۱ در سال گذشته زلزله‌ای رخ داد و خانه‌های مردم و بازارهایشان ویران شد سپس اهالی دوباره خانه‌هایی را ساختند یا خانه‌های خراب را تعمیر کردند.
  - ۲ زلزله‌ای سالهای قبل پیش آمد و خانه‌های مردم و بازارهایشان خراب شد سپس مردم دوباره خانه‌هایشان را ساختند یا خانه‌های ویران را درست کردند.
  - ۳ در سال گذشته زلزله‌ای روی داد و خانه‌های مردم و بازارهایشان را ویران کرد سپس اهالی خانه‌ها را برای بار دوم ساختند یا خانه خراب را تعمیر کردند.
  - ۴ سال پیش زلزله‌ای پدید آمد و خانه‌های مردم و بازارشان را ویران کرد بعد اهالی مجدداً خانه‌هایی را می‌سازند یا خانه‌های ویران شده را درست می‌کنند.

۹۲۶. **إِن تَنْظُرُوا إِلَى الْكَائِنَاتِ حَوْلَكُمْ بِدَقَّةٍ تُدْرِكُوا أَنَّ اللَّهَ خَلَقَهُمْ لِاسْتِفَادَةِ الْبَشَرِ فَتَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ.**
- ۱ اگر به موجودات پیرامون خود نگاه کنید می‌فهمید که پروردگار برای استفاده انسان آفریده‌است بنابراین در مورد خلقت فکر کنید و در مورد خالق فکر نکنید.
  - ۲ اگر به دقت موجودات پیرامون خود را ببینید متوجه می‌شوید که آنها برای استفاده انسان آفریده شده‌اند پس در مورد آفریدگار می‌اندیشید و در مورد خالق نمی‌اندیشید.
  - ۳ اگر با دقت به موجودات اطراف خود بنگرید متوجه می‌شوید که خداوند آنها را برای استفاده انسان خلق کرد پس در مورد خالق فکر کنید و در مورد آفرینش نیندیشید.
  - ۴ اگر به موجودات پیرامون خودتان با دقت بنگرید می‌فهمید که خداوند آنها را برای استفاده بشر آفرید پس در آفرینش بیندیشید و در مورد آفریدگار نیندیشید.

### فرجه‌ها چند عبارتی:

۹۲۷. **عَيْنُ الصَّحِيحِ:**
- ۱ تَعَادَلَ الْفَرِيقَانِ قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ: دو تیم پیش از دو هفته با یکدیگر مسابقه دادند.
  - ۲ إِنْ جَاءَ هَذَا الْمُهَاجِمُ يُسَجَّلُ هَدَفًا: اگر این مهاجم بیاید یک گل می‌زند.
  - ۳ مَنْ ذَهَبَ إِلَى الْمَلْعَبِ تُمْكِينًا لَهُ مُشَاهَدَةَ الْمُبَارَاةِ: چه کسی به ورزشگاه رفته بود تا دیدن مسابقات برایش ممکن شود؟
  - ۴ كِلَاكَمَا قَوَّيَانِ، فَتَعَادَلْتُمَا مَرَّةً ثَانِيَةً: شما دو تا قوی هستید پس برای بار دوم مساوی می‌شوید.

(انسانی، ۸۵)

۹۲۸. **عَيْنُ الصَّحِيحِ:**
- ۱ إِنْ كُنْتُمْ فِي الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ تَهْدِيكُمْ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ: اگر به راه مستقیم باشید خداوند در زندگی‌تان شما را هدایت می‌کند!
  - ۲ مِنْ أَيْنَ أَعْرَفَ مَاذَا قَصْدُكَ!: از کجا بدانم که منظور تو چه خواهد بود!
  - ۳ إِنَّ التَّاهُلَ فِي الْقُرْآنِ يَغَيِّرُ أَسْلُوبَتَنَا فِي الْحَيَاةِ: با دقت کردن در قرآن روش ما در زندگی دگرگون می‌شود.
  - ۴ كُنْ صَادِقًا وَ لَا تَخْلَفْ وَعْدَكَ فَتَتَخَلَّصَ مِنَ الْخَطَايَا: در وعدهات صادق بودی و تخلف نمی‌کردی در نتیجه از خطاها رهایی خواهی یافت!

۹۲۹. **عَيْنُ الصَّحِيحِ:**
- ۱ أَعْلَمُ أَنَّ مَنْ لَيْسَ لَهُ صَدِيقٌ هُوَ غَرِيبٌ: می‌دانیم که هر کس دوستی ندارد غریب است.
  - ۲ الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ وَ الْوَفَى يُعِينُنَا عَلَى الْبُرِّ وَ الْإِحْسَانِ: دوست صمیمی و باوفا ما را بر نیکی و خوبی یاری می‌دهد.
  - ۳ قَلْبِنَا أَنْ تَتَّخِذَ آلَافَ صَدِيقٍ لِأَنَّ الْأَلْفَ قَلِيلٌ: ما باید هزاران دوست بگیریم زیرا هزار (تا) کم است.
  - ۴ فَتَشَوْا عَنْ هَوْلَاءِ الْأَصْدِقَاءِ وَ آثَرُوهُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ: این دوستان را بجویند و بر خودتان ترجیح دهید.

۹۳۰. **عَيْنُ الْخَطَأِ:**
- ۱ يُعَدُّ الْحَوْثُ أَكْبَرَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ: نهنگ را بزرگ‌ترین موجود در جهان به‌شمار می‌آورند.
  - ۲ يُعَدُّ الْعُلَمَاءُ أَنْوَاعَ الْكَائِنَاتِ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمَلَاتِينِ: دانشمندان انواع موجودات را در دریاهای دنیا، میلیون‌ها بر آورد می‌کنند.
  - ۳ مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ: هر کس در خردسالی‌اش بپرسد در بزرگسالی‌اش پاسخ می‌دهد.
  - ۴ إِنَّهُ يُحَدِّثُ طَنِينًا بِسَبَبِ سُرْعَةِ حَرَكَةِ جَنَاحِيهِ: به‌دلیل سرعت حرکت بال‌هایش صدایی پدید می‌آورد.

۹۳۱. **عَيْنُ الْخَطَأِ:**
- ۱ أَنَا أَجِبْتُ دَعْوَةَ مَنْ هُوَ أَكْرَمُ مِنِّي: من به دعوت کسی که از من گرامی‌تر است، پاسخ دادم.
  - ۲ إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّتْ أَعْدَائِكُمْ: اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌گرداند.
  - ۳ مَنْ تَرَكَ الْحَسَدَ زَادَتْ مَحَبَّتُهُ عِنْدَ النَّاسِ: هر کس حسادت را ترک کند محبتش را نزد مردم زیاد می‌کند.
  - ۴ يُحَيِّرُنِي تَقَدُّمُ الطَّلَابِ الْمُجِدِّينَ فِي دِرَاسَاتِهِمُ الْعِلْمِيَّةِ: پیشرفت دانش‌آموزان تلاشگر در پژوهش‌های علمی‌شان مرا شگفت‌زده می‌کند.



ازسؤال ۸۲۳ تا ۸۴۷

**۸۲۳. گزینۀ ۴** سؤال. گزینۀ‌ای را می‌خواهد که در آن، اسم فاعل و اسم مکان به صورت هم زمان وجود نداشته باشد. در گزینۀ ۴، اسم مکان (معابد که جمع مقبذ) وجود دارد، ولی اسم فاعل وجود ندارد. **معنی جمله:** «در هند معبدهای مشهوری یافت شد.» / بررسی سایر گزینۀ‌ها:

۱. «کارگران و کارمندان در روز جمعه در منازل استراحت می‌کنند.» **الغَمال** جمع عامل است که اسم فاعل است و المنازل هم جمع منزل است که اسم مکان است. ۲. ما برای زیارت زایران مرقد امام رضا (علیه السلام) آماده‌ایم.» جاهزون جمع جاهز است که اسم فاعل است و مرقد هم اسم مکان است. ۳. مسلمانان مسجدهایی را در بیشتر سرزمین‌ها بنا می‌کنند.» **المُسلِمون** جمع **المُسلِم** است که اسم فاعل است و مساجد هم جمع مسجد است که اسم مکان است.

**۸۲۴. گزینۀ ۲** سؤال. اشتباه درباره کلمات جمله را می‌خواهد. اشتباه در گزینۀ ۲ است. یوْکُذون مضارع از باب تفعیل است نه باب تفعّل. **معنی جمله:** «محققان تأکید می‌کنند که این حیوانات می‌توانند با استفاده از صداهایی معین حرف بزنند.»

**۸۲۵. گزینۀ ۱** موارد کلیدی: معنی و صیغۀ فعل / بررسی گزینۀ‌های نادرست: فعل هَجَرْتَنِي (هَجَرْتُ + ن + ي) ماضی برای مفرد مؤنث غایب است. چون فاعل این فعل صدیقاتی، به معنی دوستانم است، باید در فارسی سوم شخص جمع ترجمه شود. ضمیر «ی» که همراه با نون و قایه آمده است هم باید ترجمه شود. به این ترتیب، هَجَرْتَنِي صدیقاتی یعنی «دوستانم مرا ترک کردند» این معنی فقط در گزینۀ ۱ وجود دارد. علاوه بر این، در سایر گزینۀ‌ها اشکالات دیگری هم هست. «برخلاف آنچه دشمنانم می‌خواهند» و «مهاجرت نمی‌کنی» در گزینۀ ۲. ترجمۀ کلی جمله برای سوم شخص مفرد در گزینۀ ۲ و «مانند دشمنانم» و «نیاید مرا ترک کنی» در گزینۀ ۴ غلط هستند.

**۸۲۶. گزینۀ ۲** موارد کلیدی: معنی صدیق و صدوق، ترجمۀ ضمیرها / بررسی گزینۀ‌های نادرست: **الصدوق** اسم مبالغه است و معنی آن «راستگو» است. معنی صدیق را هم که می‌دانیم: «دوست»، **الصدیق الصدوق** یعنی «دوست راستگو» این معنی فقط در گزینۀ ۲ هست. علاوه بر این، ضمیر «ک» که به فعل **تَصَحَّكَ** متصل است باید ترجمه شده باشد: **تَصَحَّكَ** یعنی «تو را نصیحت کرد» البته در این جمله می‌توانیم آن را به صورت «تو را نصیحت می‌کنی» هم معنی کنیم: این معنی هم فقط در گزینۀ ۲ وجود دارد.

**۸۲۷. گزینۀ ۲** موارد کلیدی: معنی اصطلاح، معنی فعل اشْحَنَ، زمان فعل / بررسی گزینۀ‌های نادرست: اصطلاح **أَنْتَ عَلَيَّ الْحَقُّ** یعنی «حق با توست» یا «حق داری». بنابراین گزینۀ‌های ۱ و ۳ نادرست‌اند. با مقایسه دو گزینۀ دیگر داریم: «باید تلفن همراهم را شارژ کنم» (گزینۀ ۲) و «واجب بود تلفنم را پاسخ دهم» (گزینۀ ۴). اولاً آن اشْحَنَ یعنی «که شارژ کنم» و ثانیاً زمان جمله مضارع التزامی است نه ماضی، پس گزینۀ صحیح گزینۀ ۲ است.

**۸۲۸. گزینۀ ۲** نکات کلیدی: مفرد و جمع، معنی و صیغۀ فعل. / بررسی گزینۀ‌های نادرست: طالباً مفرد به کار رفته است، یعنی «دانش آموز». که در همه گزینۀ‌ها به صورت مفرد ترجمه شده است. فعل **إِحْتَرَمَ** امر برای مفرد مذکر مخاطب است؛ یعنی «احترام بگذار». (رد گزینۀ ۴) **فَعَلَ تَعَلَّمُ** و مصدر آن، **التَّعَلَّمَ** یعنی «یاد می‌گیرد» نه «می‌داند». پس گزینۀ ۱ و ۲ هم غلط است و **التَّعَلَّمَ** به معنی یادگیری است که در گزینۀ ۴ یاد دادن ترجمه شده است. تنها گزینۀ باقی مانده گزینۀ ۳ است.

**۸۲۹. گزینۀ ۲** نکات کلیدی: معنی اسم مفعول / بررسی گزینۀ‌های نادرست: کلمۀ **مَمْرُوجَةٌ** اسم مفعول است و معنی آن «در آمیخته» است. این کلمه فقط در گزینۀ ۲ درست معنی شده است. دقت کنید. «آمیختگی» در گزینۀ ۴ در فارسی مصدر است نه صفت، ولی **مَمْرُوجَةٌ** صفت است و باید به صورت صفت معنی شود.

**۸۳۰. گزینۀ ۴** نکات کلیدی: مفرد و جمع، معنی فعل، نقش فاعل و مفعول / بررسی گزینۀ‌های نادرست: در جمله **هَجَرْتَنِي أَحْتَبِي** باید دقت کنیم که اولاً هَجَرْتُ یعنی «ترک کرد» ضمیر «ی» که همراه با نون و قایه آمده است مفعول آن است. **أَحْتَبِي** هم جمع است و ضمیر «ی» مضاف‌الیه آن است؛ یعنی «دوستانم» یا «یارانم». این کلمه فاعل فعل هَجَرْتَنِي است. به این ترتیب معنی این جمله چنین است: «دوستانم مرا ترک کردند» این معنی فقط در گزینۀ ۴ وجود دارد. علاوه بر این، **تُحِثُّ** یعنی «شیون کردم» (رد گزینۀ ۱) و «شکوهِ اِلَى» یعنی «به ... شکایت کردم» (رد گزینۀ‌های ۱ و ۳)

**۸۳۱. گزینۀ ۲** نکات کلیدی: معنی و زمان فعل، جار و مجرور، ترجمۀ فاعل و مفعول. / بررسی گزینۀ‌های نادرست: بعضی فعل مضارع است به معنی «می‌گذرد» پس گزینۀ‌های ۱ و ۳ غلط هستند. هم‌چنین، آری فعل مضارع است به معنی «می‌بینم» (رد گزینۀ ۱). **فِي بُعْدِكَ** یعنی «در دوری تو». آری **فِي بُعْدِكَ** عذاباً شدیداً یعنی «در دوری تو عذاب شدیدی می‌بینم». این معنی فقط در گزینۀ ۲ وجود دارد. علاوه بر این، لا تَأْتِي مضارع منفی است، یعنی «نمی‌آید» (رد گزینۀ‌های ۱ و ۴). پس تنها گزینۀ بدون غلط گزینۀ ۲ است.

**۸۳۲. گزینۀ ۴** نکات کلیدی: معنی اصطلاحی «لاخیر فی»، دقت به صفت، معنی کلمات، نقش فاعل و مفعول / بررسی گزینۀ‌های نادرست: **لاخیر فی** یعنی «هیچ خبری نیست در ...» یا «خبری نیست در ...». این معنی فقط در گزینۀ‌های ۲ و ۴ وجود دارد. علاوه بر این: **فَصَادَقَةٌ** یعنی «دوستی کردن». این کلمه مصدر است و نباید به صورت فعل ترجمه شود. پس گزینۀ ۱ هم غلط است و معنایی به جز «دوستی» برای آن نادرست است (رد گزینۀ‌های ۲ و ۳). هم‌چنین در گزینۀ ۲ **الأحمق و الکذاب** به صورت «نادان دروغگو» معنی شده که غلط است و در نهایت این که **يُبَيِّنُ** **إِتِّكَ** **عَنِ الصِّدْقَاتِكِ** یعنی «تو را از دوستانت دور می‌کنند» این معنی فقط در گزینۀ ۴ هست. می‌بینیم که فقط گزینۀ ۴ بی‌غلط است.

**۸۳۳. گزینۀ ۲** نکات کلیدی: اشاره و اسم بعد از آن. زمان فعل، زمان فعل، مفرد و جمع، معرفه و نکره، ضمیر / بررسی گزینۀ‌های نادرست: **هذا الشاعر** یعنی «این شاعر» (رد گزینۀ ۱). **قد** **أَشْنَدَ** ماضی نقلی است، یعنی «سروده است» (رد گزینۀ‌های ۱ و ۳). **مجلس** مفرد و معرفه است و صفتی ندارد (رد گزینۀ‌های ۱ و ۳ و ۴). **لِقَرَأَهَا** یعنی «تا آن‌ها را بخواند» که ضمیر «آن‌ها» در آن به «آیات» برمی‌گردد که جمع است (رد گزینۀ‌های ۱ و ۳ و ۴). به این ترتیب، تنها گزینۀ بی‌غلط گزینۀ ۲ است.

**۸۳۴. گزینۀ ۲** نکات کلیدی: نوع و زمان فعل، مفرد و جمع / بررسی گزینۀ‌های نادرست: **لَا يُجَرِّبُ** فعل مضارع منفی است، یعنی «نمی‌آزماید». **لَا يَنْدُمُ** هم مضارع منفی است و معنی آن «پشیمان نمی‌شود» است، پس گزینۀ ۱ که آن‌ها را ماضی نقلی ترجمه کرده است نادرست است. هم‌چنین کلمه **فُجِرْتُ** مفرد است، یعنی «آزموده» یا «تجربه‌شده»؛ پس «تجربه‌شده‌ها» در گزینۀ ۱، «با تجربه‌ها» در گزینۀ ۳ و «تجربه‌ها» در گزینۀ ۴ غلط‌اند. به این ترتیب، تنها گزینۀ بی‌غلط گزینۀ ۲ است.

**۸۳۵. گزینۀ ۲** نکات کلیدی: زمان فعل **كَانَ** یدهبون: می‌رفتند (ماضی استمراری) / اکثر المناطق: بیشتر مناطق / بررسی سایر گزینۀ‌ها: ۱. **أَكْثَرُ المناطق:** بیشتر مناطق / **كَانَ** یدهبون: می‌رفتند (ماضی استمراری) ۳. **كَانَ** یدهبون: می‌رفتند (ماضی استمراری) ۴. **كَانَ** یدهبون: می‌رفتند (ماضی استمراری)

**۸۳۶. گزینۀ ۱** نکات کلیدی: زمان فعل، ترکیب اضافی و وصفی و ضمیر، ما سَمَخَتْ، اجازه نداد / **أُمُّ صَدِيقِي:** مادر دوستم / **لَوْلَهَا الصَّغِيرُ:** به فرزند کوچکش / **الرَّقَاقُ:** کوچه / **كَانَتْ تَخَافُ:** می‌ترسید / **بِرَبْرَسِي:** بررسی سایر گزینۀ‌ها: ۲. **أُمُّ صَدِيقِي:** مادر دوستم / ما سَمَخَتْ: اجازه نداد (ماضی) / **أَسْرَارُ:** جمع است ۳. **الرَّقَاقُ:** کوچه / **كَانَتْ تَخَافُ:** می‌ترسید (ماضی استمراری) ۴. **لَوْلَهَا الصَّغِيرُ:** به فرزند کوچکش / **الرَّقَاقُ:** کوچه

**۸۳۷. گزینۀ ۴** نکات کلیدی: زمان فعل، ترکیب اضافی و جمله شرطی، **إِحْدِي الطَّرِيقِ** یکی از راه‌های / **قِيلَ:** گفته شد / **بِرَبْرَسِي:** بررسی گزینۀ‌های نادرست: ۱. **قِيلَ:** گفته شد (فعل مجهول) ۲. **مَعْرِفَةُ الإِنْسَانِ** بنفسه: شناخت انسان از خودش / **قِيلَ:** گفته شد (فعل مجهول ماضی است) ۳. **إِحْدِي الطَّرِيقِ** یکی از راه‌های / **مِنْ عَرَفَ نَفْسَهُ:** هر کس خود را (نفس) «مفَعُول» است در جمله‌های شرطی که دارای فعل ماضی هستند، جایز است فعل ماضی را به صورت ماضی یا مضارع ترجمه کرد.

**۸۳۸. گزینۀ ۱** نکات کلیدی: اسم اشاره، زمان فعل: معلوم و مجهول **هَؤُلَاءِ التَّلْمِيزَاتِ:** این دانش آموزان / **سَوْفَ يَشْعُرُونَ:** احساس خواهند کرد. / **بِرَبْرَسِي:** بررسی گزینۀ‌های نادرست: ۲. **هَؤُلَاءِ التَّلْمِيزَاتِ:** این دانش آموزان (اگر اسم بعد از اسم اشاره «هال» داشته باشد، اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود) ۳. **يَشَاهَدُونَ:** ببینند، می‌بینند (فعل معلوم است نه مجهول) / **ضَمِير «هَنَ»:** در امتحانات **هَنَ** ترجمه نشده است ۴. **هَؤُلَاءِ التَّلْمِيزَاتِ:** این دانش آموزان / **يَشَاهَدُونَ:** ببینند، می‌بینند (فعل معلوم است نه مجهول) / **سَوْفَ يَشْعُرُونَ:** احساس خواهند کرد.

**۸۳۹. گزینۀ ۲** نکات کلیدی: زمان فعل، ضمیر، مفرد و جمع ما **أَشْنَدَ:** نسرایید (ماضی ساده) / **قَرَأَهَا:** آن را خواند (ضمیر «ها» مفعول است) / **بِرَبْرَسِي:** بررسی گزینۀ‌های نادرست: ۱. ما **أَشْنَدَ:** نسرایید (ماضی ساده است نه استمراری) / **قَرَأَهَا:** آن را خواند (ضمیر «ها» مفعول است) / **لَفْظ «هَمَّ»** زائد است ۳. **المُلُوكُ:** پادشاهان / **أَشْنَدَ:** سرود؛ **قَرَأَ:** خواند (ماضی اند) که به صورت مضارع اخباری معنی شده است. ۴. **عَلِمَ** مفرد است / **قَرَأَهَا:** آن را خواند (ضمیر «ها» مفعول است)

**۸۴۰. گزینۀ ۳** نکات کلیدی: نوع و زمان فعل، ترجمۀ ضمیر / بررسی گزینۀ‌های نادرست: در گزینۀ ۱، **فَعَلَ يُصَنِّعُ** مجهول است و باید «درست می‌شود» معنی شود؛ پس «درست می‌کند» باعث نادرستی این گزینۀ است. در گزینۀ ۲، **فَعَلَ قَضَى** ماضی است، یعنی «گذشت». پس «می‌گذرد» باعث نادرستی این گزینۀ است. در گزینۀ ۴، ضمیر «ه» در لسانه ترجمه نشد است. پس تنها گزینۀ‌ای که غلط ندارد گزینۀ ۳ است.

**۸۴۱. گزینۀ ۱** نکات کلیدی: زمان فعل، ضمیر ۱. **لَا تَقْتَرِبُ مِنَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ** و **ابْتَغِ عَنِ الْمُنْكَرِ:** به کارهای بد نزدیک نشو و از کار زشت دور شو. / **بِرَبْرَسِي:** بررسی گزینۀ‌های نادرست: ۲. **لَا تَحْصُلُونَ:** دست نمی‌یابید ۳. **ذُنُوبِي:** گناهانم ۴. **الحَيَاةُ:** زندگی (ضمیر ندارد)

**۸۴۲. گزینۀ ۱** نکته کلیدی: معنی اسم مبالغه / بررسی گزینۀ‌های نادرست: **نَظَارَةٌ** اسم یک وسیله است، **نَظَارَةٌ** یعنی «عینک» بنابراین گزینۀ ۱ خطا دارد. **ترجمۀ درست عبارت:** «یا این عینک را روی صندلی رها می‌کنی؟»

**۸۴۳. گزینۀ ۲** **تَعَلَّمْنَا:** آموختیم، یاد گرفتیم



پاسخنامه درس ۳ عربی یازدهم

**۸۴۴. گزینۀ ۴** **ذِيل (ذَم) = ذَنْبٌ / يَقِفُ (مِي اِيَسْتَد) ≠ جَلَسَ (مِي نَشِينِد) / بَرَسِي سَائِر گزینۀ‌ها:** ۱. **الصَّمْتُ** (سکوت کردن) = **السُّكُوتُ:** متضاد وجود ندارد. ۲. **اللَّيْلُ** (شب) ≠ **النَّهَارُ** (بداية آغاز) ≠ **نَهَايَةُ:** مترادف وجود ندارد. ۳. **تَزْوَعُ (مِي كَارْد) ≠ تَحْصُدُ:** مترادف وجود ندارد.

**۸۴۵. گزینۀ ۳** **خَلْفَ (پِشْت) = وِرَاءَ / خَلْفَ ≠ اِمَامَ (پِيشوا!):** خلف با امام متضاد است نه با امام.

**۸۴۶. گزینۀ ۱** **بِرَبْرَسِي سَائِر گزینۀ‌ها:** ۲. **جَمَعُ زَعْنَفَةَ (بَالَةَ مَاهِي)** زعانیف است نه زعانیف ۳. **جَمَعُ سِيْنَ (دندان)** آستان است نه ستین. ۴. **جَمَعُ سَنَةِ (سال)** ستین است نه آستان.

**۸۴۷. گزینۀ ۱** **العُلَمَاءُ (دانشمندان)، اَنواع (انواع)، الكائنات (موجودات)، بحار (دریاها)، الملايين (میلیون‌ها) جمع‌ها در سایر گزینۀ‌ها:** ۲. **الزَّمَالُ (شِن‌ها)، اَقْدَامُ (پاها) ۳. اَسْنَانُ (دندان‌ها)، بَقَايَا (بقایا) ۴. البِهَاتِمُ (چهارپایان)**

۸۴۸. گزینة ۳ مُزارع (کشاورز) مفرد است.

۸۴۹. گزینة ۲ بررسی سایر گزینةها: ۱. تقدّموا: از پیش بفرستید ۲. زعانف: باله‌ها ۳. یحده: پدید می‌آورد

۸۵۰. گزینة ۴ داور (الحکم) کسی است فقط در فوتبال داوری می‌کند؛ لفظ «فقط» اشتباه است. معنی سایر گزینةها: مرغ باران (الزّرقاق): پرنده‌ای است که به تمساح در تمیز کردن دندان‌هایش کمک می‌کند. مرغ مگس (الطائر الطنان): کوچک‌ترین پرنده‌ای که به دلیل سرعت حرکت بال‌هایش صدایی تولید می‌کند. چتر (المظلة): وسیله‌ای است برای محافظت از انسان در برابر اشعه خورشید یا بارش باران و برف.

۸۵۱. گزینة ۳ این گزینة سه جفت اسم متضاد دارد ولی سایر گزینةها دو جفت. الأعلى (بالتر) ≠ الأسفل: الیمین (راست) ≠ الشّمال (چپ): الامام (روبرو) ≠ الخلف اسم‌های متضاد در سایر گزینةها: ۱. التقوّب (نزدیک شدن) ≠ الابتعاد (دور شدن): الفضائل (خوبی‌ها) ≠ الرذائل ۲. بدایة (آغاز) ≠ نهایة: اللیل (شب) ≠ النهار ۴. شب ≠ روز: عشتی (شامگاه) ≠ غداتی

۸۵۲. گزینة ۲ بررسی سایر گزینةها: ۱. جناح (بال) و زعنفة (باله) مترادف نیستند. ۳. الغداة (صبحگاه) ≠ العشیة ۴. الذّب (دُم) = الذیل: این کلمه را با ذنب (گناه) = اثم اشتباه نگیرید.

۸۵۳. گزینة ۴ هر کس قبل از سخن گفتن فکر کند (کرد) از خطا در امان می‌ماند (مانند). / بررسی سایر گزینةها: ۱. این پرنده طنان نامیده شده (شَمی فعل مجهول) زیرا به دلیل حرکت بال‌هایش صدایی ایجاد می‌کند. (شَمی: نامید) ۲. او کوچک‌ترین (اصغر) اسم تفضیل) پرنده روی زمین است. (صغیر: کوچک) ۳. هر کس آزموده‌ای (مجرّب. اسم مفعول) را بیازماید پیشمانی به او روی می‌آورد. (مجرّب: آزماینده)

۸۵۴. گزینة ۲ فوق (بالای) ≠ تحت

۸۵۵. گزینة ۴ آن ینتهی: که به پایان برسد، که تمام شود

۸۵۶. گزینة ۱ آنکر (زشت‌تر، زشت‌ترین): اقیح

۸۵۷. گزینة ۱ در این گزینة، غداً (فردا) با لم یرجع (بازنگشت) که ماضی منفی است متناسب نیست. ترجمه سایر گزینةها: ۱. کسی که می‌خواهد قوی‌ترین مردم باشد باید به خداوند توکل کند (فلیتوکل). ۲. بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند (اهدی). ۳. سنجاب پرنده وقتی از درختی به درخت دیگر می‌جهد با لایة خاصی (غشای خاص) پرواز می‌کند.

۸۵۸. گزینة ۲ تدری (می‌دانی) یا تعلم مترادف است نه با تعمل (انجام می‌دهی).

۸۵۹. گزینة ۴ خسب: کافی، بس

۸۶۰. گزینة ۳ مّزات: اسم جمع است اما در این عبارت متضاد نداریم. / بررسی سایر گزینةها: ۱. سنتیمترات اسم جمع / الأعلى و الأسفل متضاد ۲. بقایا اسم جمع / یدخل و یدخر متضاد ۴. انفس جمع / احسبتم و اساتم متضاد

۸۶۱. گزینة ۲ بررسی سایر گزینةها: ۱. امتلاّث: پر شد ۳. لا أدری: نمی‌فهمم ۴. یعجیبک خوشت می‌آید، تو را به تعجب وا می‌دارد

۸۶۲. گزینة ۳ بررسی سایر گزینةها: ۱. الفرقان: نیروی تشخیص حق از باطل ۲. السّوار العتیق: دستبند کهنه ۴. کمشکاة: مانند چراغ‌دانی

۸۶۳. گزینة ۲ بررسی سایر گزینةها: ۱. القاطع: بُزنده، تیز ۳. در این عبارت ۴ اسم جمع است (علماء، أنواع، حشرات، ملابین) ۴. دماغ: مغز

۸۶۴. گزینة ۳ قفزة: پرش

۸۶۵. گزینة ۲ الحیة: حیوان یشمی علی بطنه. (مار حیوانی که روی شکمش راه می‌رود) الأجنحة: عضویون بطیر الطائر بهما. (بال‌ها) دو عضو که پرند با آن‌ها می‌پرد) التّجمع و الدّوران حول شيء: جمع شدن و حرکت پیرامون چیزی. / صدیقٌ یُتقدّک من مصیبة الجهل: دوستی که تو را از مصیبت نادانی نجات می‌دهد.

۸۶۶. گزینة ۱ سنجاب پوست مخصوصی دارد که آن را می‌گشاید وقتی می‌پرد. ترجمه سایر گزینةها با واژه نادرست: ۲. هر کس قبل از سخن بیندیشد خطاهایش زیاد می‌شود. (واژه درست: قل: کم می‌شود) ۳. حرکت دو بال در بعضی پرندگان تعجب را دراز می‌کند. (واژه درست: تغیر: بر می‌انگیزد) ۴. داور به دلیل مسابقه گُل را قبول نکرد. (واژه درست: تسلل: آفساید)

۸۶۷. گزینة ۴ سؤوال، گزینة‌ای را می‌خواهد که با سایر گزینةها متفاوت است. تحلیل: به ترجمه گزینةها دقت کنید. ۱. «آن‌چه در دنیا می‌کارید در آخرت برداشت می‌کنید» این جمله درباره «نتیجه کارها در آخرت» است. ۲. «دنیا مزرعة آخرت است». این جمله هم درباره «نتیجه کارها در آخرت» است. ۳. «آن‌چه از خوبی برای خودتان از پیش بفرستید، نزد خداوند می‌باید». این جمله هم درباره «نتیجه کارها در آخرت» است. ۴. «آن‌چه از خوبی انجام می‌دهید خداوند آن را می‌داند» این جمله درباره علم خداوند است. به این ترتیب جمله‌ای که مفهوم آن با سایر جملات متفاوت است گزینة ۴ است.

۸۶۸. گزینة ۲ این سؤوال، گزینة‌ای را می‌خواهد که با مفهوم جمله فارسی بیشترین قرابت را داشته باشد. تحلیل: مفهوم جمله «بازگشت خوبی به انسان» است. با توجه به معنای گزینة ۲ (اگر خوبی کردید (کنید) به خودتان خوبی کردید (کرده‌اید))، این گزینة بیشترین قرابت معنایی را دارد.

۸۶۹. گزینة ۳ سؤوال، گزینة‌ای را می‌خواهد که بهترین پاسخ برای سؤوال آن گزینة «هر دو تیم قوی هستند» باشد. تحلیل: با توجه به کلمه‌های پرسشی، «آیا» (هل) در گزینة ۱، «چرا» (لماذا) در گزینة ۲، «کدام» (أی) در گزینة ۳ و «چگونه» (کیف) در گزینة ۴. این جمله فقط می‌تواند در پاسخ به سؤوال «کدام» بیاید، پس گزینة ۳ صحیح است.

۸۷۰. گزینة ۴ هر کس که ببخشد و اصلاح کند پاداشش بر خداوند است. که با بیت روبه‌رو هماهنگی مفهومی ندارد. ترجمه سایر گزینةها: ۱. اگر صبر کنی در زندگی‌ات به موفقیت می‌رسی. ۲. پرودگارا آن‌چه را توان ندارم بر من تحمیل نکن. (خداوند بر کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند) ۳. خداوند مرا کافی است چه خوب و کبلی است.

۸۷۱. گزینة ۴ هر کس به من حرفی بیاموزد مرا بنده خویش ساخته است. مورد سؤوال، عبارتی است که در مورد «یاددادن» است. ترجمه سایر گزینةها: ۱. آن‌چه از خوبی انجام دهید خداوند آن را می‌داند. ۲. دانش را زگهواره تا گور بجویید. ۳. کتاب‌ها بوستان دانشمندان است.

۸۷۲. گزینة ۱ آیا مادر بزرگ تو در سرش احساس درد می‌کند و داروهایش را می‌خورد. پاسخ نادرست: نه، احساس درد نمی‌کنم و آن‌ها را نمی‌خورم. (در جمله پاسخ، فعل نباید به صورت «متکلم» بیاید) ترجمه سایر گزینةها: ۲. نه، احساس درد نمی‌کنم ولی داروها را می‌خورم. ۳. بله، فکر می‌کنم سردرد دارد و باید آن‌ها را بخورد. ۴. بله، احساس درد می‌کند و داروها را می‌خورد.

معنی عبارت: نوعی از مارها در بیابان زندگی می‌کند، در نیمه روز هنگامی که شن‌ها گام‌های کسی را که روی آن‌ها (راه می‌رود، حرکت می‌کند، می‌رود) می‌سوزاند. برای شکار حیوانات دُمش را در شن قرار می‌دهد پس آنگاه که پرند‌های روی آن می‌ایستند آن را شکار می‌کند.

۸۷۳. گزینة ۴ تحرق: می‌سوزاند (ترجمه سایر واژه‌ها: تشاهد: می‌بیند؛ تقدّف: پرتاب می‌کند؛ تقدّر: نوک می‌زند)

۸۷۴. گزینة ۳ یقدّم: به معنای «از پیش بفرستد» ترجمه سایر واژه‌ها: تسیر: حرکت می‌کند؛ تمشی: راه می‌رود؛ تذهب: می‌رود)

۸۷۵. گزینة ۴ تضع: قرار می‌دهد (ترجمه سایر گزینةها: تقف: می‌ایستد؛ تدری: می‌داند؛ تدفّع: می‌پردازد، دور می‌کند)

معنی متن: «کسی که در آفرینش خداوند تفکر کند، قدرت خداوند را مشاهده می‌کند؛ زیرا عجایب بسیاری در مخلوقات یافت شده. بی‌شک دیدن این مخلوقات و فکر کردن درباره آن‌ها از توصیه‌های قرآنی است. در قرآن آیات بسیاری مانند این مضمون را می‌خوانیم که: (آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شد؟) ولی بر ما واجب است که در آفرینش تفکر کنیم نه در آفریننده؛ زیرا انسان نمی‌تواند در خداوند تفکر کند و فقط می‌تواند از طریق مشاهده نشانه‌های خداوند او را بشناسد.»

۸۷۶. گزینة ۱ سؤوال: بر اساس متن، صحیح را تعیین کن: ۱. «یکی از راه‌های شناخت خداوند شناخت مخلوقات اوست.» این جمله در واقع مفهوم کلی متن است. ۲. «اگر به شتر نگاه نکنید نمی‌توانید فکر کنید.» چنین مطلبی در متن وجود ندارد. ۳. «فقط می‌توانیم با مشاهده قدرت خداوند تفکر کنیم.» در متن چنین انحصاری وجود ندارد. ۴. «عجایب زیادی در دنیا پیدا نشده.» متن دقیقاً برعکس این مطلب را بیان می‌کند. گزینة ۱ صحیح است.

۸۷۷. گزینة ۲ سؤوال: آن‌چه درباره تفکر درست نیست را تعیین کن: ۱. «با تفکر، قدرت خداوند در طبیعت را مشاهده می‌کنیم.» بر اساس متن، این مطلب درست است. ۲. «انسان نمی‌تواند در مخلوقات تفکر کند.» چنین مطلبی در متن وجود ندارد؛ در واقع متن درست برعکس این مفهوم را می‌رساند. ۳. «توصیه‌های قرآنی ما را به تفکر فرامی‌خوانند.» این مطلب در متن وجود دارد. ۴. «در قرآن آیات بسیاری را درباره تفکر می‌یابیم.» این مطلب هم در متن وجود دارد. بنابراین گزینة مورد نظر سؤوال گزینة ۲ است.

۸۷۸. گزینة ۳ سؤوال: نادرست را تعیین کن: ۱. «آفریدگان خداوند در طبیعت نشانه‌های موجودات ما را با قدرت خداوند در آفرینش آشنا می‌کنند.» این مطلب هم در متن وجود دارد و درست است. ۲. «همه موجودات ما را با قدرت خداوند در آفرینش آشنا می‌کنند.» این مطلب هم در متن وجود دارد و درست است. ۳. «تفکر در آفریننده ما را به تفکر در آفریده راهنمایی می‌کند.» این مطلب دقیقاً برعکس متن است. بنابراین درست نیست. ۴. «قرآن به ما توصیه می‌کند که در مخلوقات خداوند تفکر کنیم.» این مطلب در متن وجود دارد و درست است. پس گزینة مورد نظر سؤوال گزینة ۳ است.

معنی متن: «عنکبوت آبی از شگفت‌انگیزترین موجودات زنده در عملیات تنفسش است. او نمی‌تواند مانند ماهی‌ها با اکسیژن محلول در آب تنفس کند، پس به ساخت فضای کروی با موادی که عنکبوت‌ها خانه‌هایشان را با آن می‌سازند می‌پردازد تا جایی که آب در آن نفوذ نکند. سپس آن را در بین شاخه‌های گیاهان آبی با مهارت و سرعت ثابت نگه می‌دارد. بعد از آن به سطح آب بالا می‌رود تا حباب‌های هوا را برداشته و به سرعت با آن پایین می‌آید و آن را در تورش قرار می‌دهد و چنین عملیاتی صدها بار تکرار می‌شود تا خانه‌اش از هوا پر شود، و به روشی شگفت و سرعت زیاد وارد آن می‌شود. سپس خانه بر او بسته می‌شود و با آرامش و راحتی زندگی می‌کند تا این که اکسیژن به پایان رسد و عملیات دوباره تکرار می‌شود.»